

اتحاد مردم

ارگان اتحاد مکرانیک مردم ایران

شماره ۱۰۱ دوره سوم دوشنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۶۰ برابر با ۵ محرم ۱۴۰۲ و ۲ نوامبر ۱۹۸۱ بها ۲۵ ریال

تروویسم اقتصادی، خطرناکتر از تروویسم سیاسی

"بیرون کشیدن اموال نامشروع از حلقوم کردن کلفت های اقتصادی، حتی اگر مهزبه زنان آنها باشد" آنطور که رئیس مجلس شورای اسلامی مطرح کردند. مبارزه واقعی و ریشمهای انقلاب به نفع مستضعفان و محرومان و دگرگونی های بنیادی است.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در خطبه نماز جمعه اول آبانماه ۶۰، مبارزه برای "بیرون کشیدن اموال نامشروع از حلقوم کردن کلفت های اقتصادی" را به مثابه گام مهمی در جهت "حل مسئله محرومان و مسئله استضعاف" عنوان کرد. اما م جمعه وقت تهران در پاسخ به یک ضرورت اساسی انقلاب بقیه در صفحه ۴

تأیید نخست وزیر جدید، رأی اعتماد به یک خط سیاسی شناخته شده است

تأیید نخست وزیر آقای مهندس حسین موسوی از جانب مجلس شورای اسلامی، در پی بحث های داغ و قیاس ها و بررسی های روزهای اخیر، نشان دهنده راه روشنی است که جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست داخلی و خارجی عزم در پیش گرفتن آنرا دارد. انتخاب وزیر امور خارجه از سوی رئیس جمهوری به عنوان نخست وزیر و تأیید این انتخاب از طرف مجلس شورای اسلامی، که در واقع حاوی رأی اعتماد نمایندگان مردم است، در عین حال نوعی صحنه گذاشتن بر دیدگاهها، عملکرد و اسلوبی است که در زمان تصدی آقای مهندس حسین موسوی ناظر بر دیپلماسی خارجی ایران بود. از آنجاکه سیاست خارجی بطور طبیعی و در شرایط معمول بازتابی از سیاست داخلی است و تعیین خطوط اصلی دیپلماسی بین المللی هر کشور، بدون توجه به ملاحظات داخلی، ماهیت نیرو یا نیروهای که اهرم های دولتی را در دست دارند و آمال و باورهای این نیروها، میسر نیست، میتوان پیش بینی کرد که سیاست عمومی کشور از این پس به نحو مشخص تری دارای چه محتوای عمده ای است و چه هدف هائی را دنبال خواهد کرد. این محتوی و این هدف ها رانخست وزیر جدید، هنگامی که اداره دیپلماسی جهانی جمهوری اسلامی ایران را در دست داشت، با وضوح تمام تشریح کرده است. آقای موسوی تأکید کرده بود: "محور اصلی سیاست خارجی و داخلی ما ضد امریکائی است."

آقای موسوی آنگاه این دیدگاه کلی را در نطق مهمی که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ایراد کرد، در ارتباط با مسایل مشخص مورد تفسیر و تعبیر قرار داد. در سراسر این سخنرانی خط ضد امریکائی، ضد امپریالیستی، ضد استعماری، ضد مناسبات غیر عادلانه اقتصادی، ضد نژادپرستی، ضد سلطه جوتی و سلطه گری، به نحو برجسته ای مشهود بود. مناسبات کشورهای رشد یافته نظیر ایران انقلابی با امپریالیسم امریکا، به مثابه "رابطه گرگ و میش" توصیف شده و مورد شدیدترین حمله قرار گرفته بود. مادر همان موقع اعلام کردیم که سیاست جدید وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، که در نطق آقای موسوی انعکاس یافته، در خطوط عمده آن، سیاستی است شایسته انقلاب ایران، سیاستی است که علیرغم برخی پیش - داوریه ها و اشکالات، عناصر واقع بینی و رزم جویانه و مترقی در آن فائق است و بر بقیه در صفحه ۲

۱۳ آبان، روز تجدید میثاق برای نبرد با آمریکا



سالگنت روز تاریخی ۱۳ آبان فرارسید. دست مردم ایران، این روز را، که در آن ۳ حادثه بزرگ در تاریخ معاصر ایران رویداد داشت، با شعار "مرگ بر آمریکا" در یادها زنده می - دارند. شعار "مرگ بر آمریکا" از این رو بقیه در صفحه ۲

خط امام و مخالفان آن در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

"آنهائی که امریکائی نبودند حمایت کردند (از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا) و آنها که امریکائی بودند حمایت نکردند" امام خمینی

بمناسبت ۱۳ آبان، سالروز تسخیر لانه جاسوسی:

برزینسکی به نتیجه نرسید، اما آمریکا یک چهره ندارد

نقشه ملاقات لیبرالها با برزینسکی در پس پرده های دیپلماسی لیبرالی چگونه کشیده شد؟

سرانجام برخی از گردانندگان و برگزیدگان دولت موقت لیبرالها:

۲۱ اعدامی، جاسوس، فراری و توطئه گر ضد انقلاب!

در صفحه ۷

بمناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر

اتحاد شوروی دوست انقلاب ایران است

۶۴ سال پیش، در یک ششم مسکون سیاره ما، انقلابی پیروز شد که برای نخستین بار در تاریخ بشر، با استقرار حاکمیت توده ها از حتمتکش شهر و روستا، براندازی هرگونه استثمار و استکبار و برقراری عدالت اجتماعی را محور اصلی همه فعالیت جامعه قرار داد. از آن زمان تا به امروز، از مداخلات مسلحانه ۱۴ دولت سرمایه داری به حمایت از ضدانقلاب داخلی (سالیهای ۱۲۹۹-۱۲۹۷) تا پیروش فاشیسم و حمله خائنانه به سوسیالیسم پیروز (۱۳۲۴-۱۳۲۰) همه وسائل آدم - کشی، تا انواع ترفندهای مبارزه ایدم - نولوژیک را علیه سوسیالیسم واقعی بکار برده اند. اما جامعه بشری، برابر قانونمندیهای عینی تکامل تاریخی خود در راستای گسترش پیروزی زحمتکشان و کوچ نشینان، علیه ظلم و استکبار جهانی و به سود حاکمیت عدل و داد انسانی، با قدم هائی هرچه استوارتر به پیش رفته است. درباره انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بسیار گفته و نوشته اند. لیکن آن چه سازمانده پیروزی این انقلاب و بنیانگذار نخستین دولت سوسیالیستی جهان، ولادیمیر ایلیچ لنین، درباره اهمیت بین المللی آن گفته است، هنوز برای همگان آموزنده است. در سومین بقیه در صفحه ۸

جناب آقای میر حسین موسوی خانمهای!

تأیید نخست وزیر شم از سوی مجلس شورای اسلامی راه گرمی تبریک گفته، توفیق کامل شمار در خدمت به میهن و به انقلاب اسلامی، مردمی و ضد - امپریالیستی ایران خواستاریم. تحرك دامنه دار مشتی که در چند ماهه اخیر به همت و ابتکار شما در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است و بی شک همچنان ادامه خواهد یافت این امید را در دلها برمی انگیزد که در دولتی که به ریاست شما تشکیل می شود مسائل معوق مانده سیاست داخلی نیز قاطعانه به سود توده های مستضعف حل شود و جنگ با مزدوران صدام هر چه زودتر به پایان پیروز زندانهاش برسد

اتحاد مکرانیک مردم ایران

تهیه شناسنامه روستایی توسط جهاد سازندگی زمینه ساز اجرای برنامه های انقلابی در روستاهاست

آن نظام جمهوری اسلامی ایران برای تثبیت، تحکیم و شکوفایی به اقدامات بنیادی و تدوین برنامه های همجانبه و گسترده در وجوه مختلف زندگی اجتماعی نیاز مبرم و حیاتی دارند. یکی از این وجوه، که ایجاد تحولات بنیادی در آن ضرورت حیاتی دارد، اقتصاد کشاورزی و در مجموع زندگی اجتماعی در روستاهاست. ایجاد تحول در روستاها نیز مستلزم تدوین برنامه های انقلابی گوناگون است، که ضرورتا تدوین آنها باید مبتنی بر اطلاعات و آگاهی های گسترده و صحیح از وضع روستا و روستا - ثیان باشد. برای تدوین برنامه های انقلابی و فراگیر سوداکنان زحمتکش روستاها باید وضع مالکیت اشخاص ساکن در روستاها، امکانات

بقیه در صفحه ۹

باید در عمل نشان داد که جنگ با تجاوزگران صدامی مسئله اصلی است

باتقویت پایه های توده ای جنگ تدافعی و مبارزه قاطع و پیگیر علیه امپریالیسم امریکا، در عمل نشان دهیم که مسئله اصلی، جنگ با تجاوزگران صدامی، و دشمن اصلی، امریکاست.

بیش از یکسال است که ورود نیروهای تجاوزگر صدام به خاک ایران، میهن انقلابی ما را در تب و تاب جنگ انداخته است. بیش از یکسال است که در گوشه ای از میهن انقلابی ما، فضائی بکلی متفاوت با دیگر نقاط کشور حاکم است. در اینجا سوت خمپاره ها و صفیر بمب های مرگزا و ویرانگر، جای هر نوای متعارف دیگر را گرفته است و خاک تشنه اش را هر روز خون سیراب میکند. متجاوزان یکسال است که جان بازی شهدا راه حنایتکاران متجاوز را سد کرده است یکسال است که بهترین فرزندان انقلاب از دورترین زوایای کشور و با از شهرهای بقیه در صفحه ۲

متحدان بنی صدر - بورژوازی لیبرال ایران - ۳

سه سه بار به نه بار غلط کردیم. دیگر انقلاب نمی کنیم!

یادآوری

در دو شماره گذشته رئیس سیاست یکی از متحدان اصلی بنی صدر، یعنی سرمایه داری لیبرال ایران و نمایندگان سیاسی آن را بررسی کردیم.

خواننده گرامی بر اساس سخنان صریح دولتمداران لیبرال سیاست آنها آشنا شد که چگونه بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب، اولین قدم را برای سازش با آمریکا برداشتند و به موازات آن کوشیدند نظام گذشته را حفظ کنند. اکنون، دنباله سخن:

لیبرال ها، چنانکه هنوز هم، بعد از دو سال ونیم که از پیروزی انقلاب می گذرد، آشکارا مخالفت می کنند، در رژیم گذشته تنها با شاه مخالف بودند. این مخالفت حتی در حد بیرون راندن شاه از کشور هم نبود. سرمایه داری لیبرال ایران می خواست شاهماند، اما "سلطنت کند نه حکومت" مهندس مهدی بازرگان، در نامه ای که در مردادماه ۱۳۶۰ برای نشریه پیام انقلاب، ارگان سیاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرستاده می نویسد: "شمار شاه در مملکت مشروطه سلطنت میکند نه حکومت"، که اول دفعه مرحوم مصدق در دادگاه عنوان نمود و ماسرلوحضرام نهضت قرار دادیم، مترقی ترین و بیخطرترین شعار آن روزگار محسوب می شد (پیام انقلاب - شماره ۴۲-۱۱ مهر ۱۳۶۰ - صفحه ۱۳۶)

با این بیعتش، روشن بود که لیبرال ها نه تنها با نظام گذشته در کلیت آن موافق بودند و تنها تخفیف استبداد شاه خائن را طلب می کردند، بلکه با مظاهر و نمودهای رژیم پهلوی هم مخالفت نداشتند. درست بر همین اساس بود که رئیس دولت لیبرالی از گسترش رادیکالیسم قشرها به تمام شئون... (۱۳۶۰/۲/۱۵۸ اطلاعات) ناراحت بود و عقیده داشت: "... باید آهسته، اما با اطمینان کامل پیشرفت... (همان جا) بر اساس همین طرز تفکر بود که اولاً در تقسیم بندی انقلاب های جهانی به این نتیجه رسید که: "... انقلاب های که در دنیا رخ داده و رخ می دهد، این ها را می توانیم بطور تقریبی به سه دسته تقسیم کنیم، انقلاب کودتایی، انقلاب های حزبی و انقلاب های ملی، انقلاب کودتایی مثل کودتای سوم حوت ۱۲۹۹، یعنی کودتای پرضا خان... (او) ۲۰ سال سلطنت کرد در نهایت شوکت و قدرت... هم قاطع بود هم توی... حتی می خواهم بگویم که کودتای عبدالناصر... هم همین طور بود... اما انقلاب های حزبی مثل انقلاب شیلی و یا حتی انقلاب هیتلر... (بعد هم انقلاب ایران که) ملی است... (۳۰ تیر ۵۸ کیهان)

یعنی لیبرال ها از زبان بازرگان انقلاب شکوفا مند اسلامی، ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن ۵۷ راهمپای کودتای انگلیسی رضاخان قرار می دادند و ضعف این انقلاب را، که به وی اجازه نمی دهد "در نهایت شوکت و قدرت..." صدارت کند، در این می دانستند که:

"... ما جواب... سرعت این انقلاب - مان را می خوریم. اگر انقلاب ما در مدت طولانی تری... صورت می گرفت، بطوری که حریف بندر بیچرمقش را از دست می داد و مارمق پیدا می کردیم، بطوریکه وقتی که واژگون می شد و پشتش بزمین می افتاد، دیگر او جانی نداشت و تمام اقتصاد و رونق و قدرت و همه چیز داشتیم، وضع (جوهر) دیگر بود. ولی انقلاب ما اینطور شد... (۵ اردیبهشت ۵۸ کیهان) آیا این زبان لیبرالی به لهجه آمریکایی را بهتر از این می شود تعبیر کرد، که بازرگان خود کرده است:

"... نظام گذشته، یعنی نظام شاهنشاهی... چنین نبود که خرابی را می خواست، آبادی هم می خواست. قدرت هم می خواست و در این راه سرمایه گذاری هم می کرد... (۳۰ آبان ۵۸ اطلاعات) عملکرد دولت لیبرالی نیز، سو سو،

منطبق بر این طرز تفکر بود. لیبرال هانمی - خواستند ونمی توانستند گامی فراتر از خواست های محدود طبقاتی خود بردارند و به صراحت ناراحتی خود را از انقلاب، که با گام های فرسنگی آنها را پشت سرمی گذاشت، اعلام کردند:

"... سه سه بار به نه بار غلط کردیم. دیگر از این غلط هانمی کنیم. دیگر ما انقلاب نمی کنیم... (بازرگان - ۲۴ اسفند ۵۷ - کیهان) نخست وزیر دولت لیبرالی بعدها این "غلط کردن" را به صورت زیر تشریح کرد: "... می گویند یک رشتی در جنگل جانور قوی هیگلی را شکار کرده بود. بعدلاشه حیوان را نزد یک قهوه خانهای بکار انداخت... چندان از دوستان و آشنایان او رسیدند و چون شکار را دیدند، همان مرد رشتی تیریک گفتند که مبارک الله... عجب شکار شیرینی کردی. آن مرد اول خیال کرد با او شوخی می کنند. بعد پرسید راست می گویند. گفتند آری راست می گویند. مرد رشتی جلورفت و نگاه کرد و از دیدن شکار خودش ترسید و افتاد. حالا این هم هرچه می گذرد (از انقلاب) بیشتر متوجه عظمت و ارزش آن می شویم، ولی بهر حال کاری است که کرده ایم... (۶ فروردین ۵۸ - کیهان) اگر از این بگذریم که رئیس دولت لیبرالی با کمال فروتنی (!) خود را جای آن کسی می گذارد که شیر شکار کرده، یا انقلاب کرده است، به یک نکته اساسی و بنیادی در سخنان رئیس دولت موقت برمی خوریم، و آن اینکه، لیبرال ها از انقلاب پشیمانند، خواستار ترمز کردن انقلابند و از تعمیق آن در هراس. آن ها بوضوح می گویند: "... آن مرد... رسید و افتاد... (همان جا)

ابوالحسن بنی صدر فراری، که در آن موقع عضو شورای انقلاب بود، و با استفاد مریا کارانه از دولت موقت، مودیان برای آینده را جمع می کرد، پیش از دولت لیبرالی را به ترتیب زیر تشریح کرد: "... باور من این است که بنیاد ساختن رژیم سابق را دولت مهندس بازرگان می خواهد نگهدارد، می خواهد آن را اصلاح کند، و مشکل او هم اینجاست و مشکل شورای انقلاب هم همین است که ناچار است با این دولت کار بکند، نتیجتاً کند شده و کار آیی اش را از دست داده... دیدم با دیدن مهندس بازرگان سازگاری ندارد و بنیاداً با هم اختلاف داریم... (۲۴ شهریور ۵۸ - کیهان) البته بعدها روشن شد که دید بازرگان و بنی صدر بنیاداً با هم اختلافی نداشته و این حرف ها در چارچوب دعوا بر سر قدرت بوده است. اما بهر حال به دلیل همین خواست حفظ چارچوب نظام گذشته بود، که بازرگان دیگران را از بی حرمتی به قوانین آن دوران و آخرین نخست وزیر شاه ملعون، یعنی بختیار بازمی داشت. سخنان دولت مردان لیبرال را در این باب بازخوانی می کنیم:

"... ملاک عمل و کار بر مبنای قانون اساسی است، نه های سلطنت... (بازرگان - ۱۰ شهریور ۵۸ - کیهان) و یا: "... حزب توده به موجب قوانین موجود غیر قانونی است، و ما باید از این قوانین اطاعت کنیم... (مصاحبه بازرگان با نیوز-ویک - ۳ اسفند ۵۷ - اطلاعات) و: "... سیاست اقتصادی کشور عوض نمی شود... (۱۵ اسفند ۵۷ - کیهان) علی اردلان وزیر اقتصاد (بازرگان)

و باز هم: "... نظام موجود را به هوای نظامی که جانشین نشده برهم نزنید... (بازرگان، ۱۰ اسفند ۵۷ - کیهان) و امیران نظام با صراحت بیشتر: "... دولت مد نظر دارد که روال کار به صورت عادی و به همان سیستم گذشته برگردد... (۲۷ فروردین ۵۸ - کیهان) و یا: "... ما خواهنا خواه اسیر آنچه شده هستیم... (۱۴ تیر ۵۸ - کیهان) از سخنان بازرگان (بالاتر حسن تریه: "... من معتقد بودم

ورشکستگان به تقصیر!



مناسب خواهد بود با قانون اساسی موجود منهای سلطنت... مملکت را تا مدتی... اداره کرد... بخصوص که قانون اساسی فعلی واپزانی است... (۹ مرداد ۵۸ - کیهان) و یا: "... ما قانون اساسی قدیم را، منهای آنچه که سلطنت و دنباله ها و آثار سلطنت باشد، قبول داریم... (از سخنرانی بازرگان، ۲۱ بهمن ۵۷ - اطلاعات) و باز هم:

"... فعلاً قانون اساسی به جز مواردی که مربوط به شاه و سلطنت است، مورد عمل می باشد... (از مصاحبه بازرگان اول اسفند ۵۷ - اطلاعات)

و باز هم صریح تر: "انقلاب ایران با رنگ و بوی اسلامی خود در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید... در آن شرایط پیروزی انقلاب این اندازه عداوت و کینه نسبت به آمریکا وجود نداشت. مسئله محاکمه شاه و پس گرفتن پول های او نبود، اعدام او نبود، این امر اصلاً بفرقی هیچگی حتی رهبران انقلاب هم نمی آمد... (از سخنرانی بازرگان در حسینیه ارشاد - ۲۶ آبان ۵۸)

آری، خواست های واقعی لیبرال ها چنین بود: "... (اینها) هیچوقت جزو اصول انقلاب (لیبرال ها) قطع ارتباط و محاصمه، چه سیاسی و چه نظامی با دولت های غربی به طور کلی و آمریکا نبود... (بازرگان، ۴ دی ۵۸ - اطلاعات)

فرار بختیار از مرز بازرگان

خلاصه بر این مبنا، نخست وزیر دولت لیبرال به دفاع از رژیم گذشته، سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن و حتی شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر شاه ملعون پرداخت: "... باید بگویم با شناختی که از ایشان (بختیار) دارم، آنهم شناختی ۳۴ ساله، مبتنی بر مبارزه علیه فاشیسم و بعد مبارزه در کنار دکتر مصدق... و پس از آن است، مطمئناً ایشان در برابر خواست ملت استعفا خواهند داد... (از سخنان بازرگان ۴ بهمن ۵۷ - اطلاعات)

و مهندس حسینی، از سران جبهه ملی و از مقامات دست اول شرکت نفت در دوران دولت موقت، به صراحت اظهار داشت:

"... شاپور بختیار قصد خیانت به کشور را نداشت... (۳۱ خرداد ۵۸ - کیهان) بازرگان و بیشتر اعضاء دولت لیبرالی وی هرگز حاضر نشدند کلماتی علیه بختیار، حتی وقتی که ماهیت وی بر همگان روشن بود، بر زبان آورند. بعضی از اعضای این دولت هم، مانند حسن تریه و مدنی و مقدم مراغهای بعد ها رسماً به بختیار پیوستند. میهوده نبود که مردم هشیار ما، بعد از فرار بختیار، به طنز می گفتند: بختیار از مرز بازرگان فرار کرد... اکنون که به گذشته نظر می اندازیم، چگونه فرار بختیار خائن هنوز یک سوال بزرگ است. خبرگزاری پارس، روز ۲۴ بهمن ۵۷، یعنی دو روز پس از قیام مسلحانه مردم اعلام کرد:

"... شاپور بختیار، آخرین نخست وزیر رژیم سابق، سرانجام... دستگیر شد... (کیهان)

روز ۲۵ بهمن سال ۵۷، یعنی فردای آن روز، دکتر صالح خو، مسئول کمیته ارتباط با مطبوعات نخست وزیری، در پاسخ به سوال یک خبرنگار مبنی بر اینکه: "آقای بختیار تحت چه شرایطی بازداشت شد" (کیهان)، پاسخ داد: "در این مورد اطلاعی ندارم... (همان جا) و وقتی از او پرسیده شد: "آقای بختیار کجا نگهداری می شود"، گفت: "این موضوع

رأنی توانم بگویم... (همان جا) نتیجه: بختیار، همانطور که روزنامه ها نوشته بودند، بازداشت شده بود و در اختیار دولت موقت بود. روز ۲۳ بهمن نیز... یک مقام مطلع در دفتر مهندس بازرگان امروز خبر خودکشی بختیار را تکذیب کرد... (سال ۵۷ کیهان)

دوروز بعد دکتر صالح خو، مسئول کمیته ارتباط با مطبوعات: "... درباره دستگیری دکتر بختیار... توضیح داد که از نخست وزیر سابق بازجویی خواهد شد و در صورت بی گناهی بلافاصله آزادی می شود... (۲۵ بهمن ۵۷ - اطلاعات)

تا اینکه پسر شاپور بختیار در یک مصاحبه با رادیو "اروپای آزاد" اعلام کرد که: "پدرش زندگانی و درمانیت به سرمی برد... (۳۰ بهمن ۵۷ - اطلاعات)

اما کدام امنیت و در پناه چه کسی روز - نامه اطلاعات از قول پسر بختیار در این مورد نوشت:

"... وی خاطرنشان ساخت که با پدرش یک گفتگوی تلفنی انجام داده است. پسر شاپور بختیار سپس اضافه کرد که خطوط تلفنی چون به وسیله افراد انقلابی کنترل می شده، وی مجبور شده است به وسیله یک خط ویژه با پدرش صحبت کند... پسر شاپور بختیار... در مورد مناسبات پدرش با مهدی بازرگان نخست - وزیر جدید اعلام داشت که وی یکی از دوستان خیلی نزدیکی است (شاپور بختیار) و این دو به مدت ۳۰ سال یکدیگر را می شناسند. او گفت امیدوارم بازرگان پدرم را حفظ کند... (همان جا)

۷ روز بعد روزنامه کویته الوطن اعلام کرد:

"... بختیار به وسیله یکی از بلند پایم گان دولت کنونی ایران و کسی که سال ها با وی همزمز بوده، فرار داده شده است... (۷ اسفند ۵۷ - کیهان) و البته هنوز که هنوز است، معلوم نیست بختیار چگونه فرار کرد. اما تردیدی نیست که لیبرال ها همکار و دوست دیرین خود را فراری داده اند.

استرداد شاه؟ نه!

لیبرال ها که بختیار را فراری دادند، مسلم بود که برخلاف مردم ایران هرگز در فکر باز - ستاندن شاه و خانواده او نبودند:

"... در آن شرایط پیروزی انقلاب... مسئله محاکمه شاه و پس گرفتن پول های او نبود، اعدام او نبود... (از سخنرانی بازرگان در حسینیه ارشاد، ۲۶ آبان ۵۸ - اطلاعات) به همین دلیل مسئولین دولت موقت هرگز بطور جدی خواستار استرداد شاه خائن نشدند: "... (سنجایی در مصاحبه با دوروزنامه کویته) این شایعه را تکذیب کرد که دولت ایران از مراکش خواستاست شاه را از آن کشور اخراج کند... (۱۰ اسفند ۵۷ - کیهان) بعد هم که فریاد مردم بلند شد، لیبرال ها خیلی به خود زحمت دادند و به آمریکا تشر زدند که:

"... او (یزدی) ابراز امیدواری کرد که آمریکا به شاه مصلحت اجازه دهد یا زندگی در آمریکا را ندهد. او گفت که جلوگیری از ورود شاه به آمریکا، یک زیست حسن نیت خواهد بود... (۱۶ اردیبهشت ۵۸ - کیهان از مصاحبه یزدی با نیویورک تایمز)

و این سیاست شاهدوستی ادامه یافت، تا محارهای دور و دراز قطب زاده، که در جای خود خواهد آمد.

(ادامه دارد)

در این روز طنین خروشانتری می‌گیرد که خلق ایران، در سیزدهم آبان، توطئه های پیاپی آمریکا را برای خاموش کردن این شعار در هم شکستاست.

سیزدهم آبان ۱۳۴۲، وقتی رژیم شاه، به دستور اربابان آمریکائی خود، امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، را تبعید کرد، می‌خواست صدام امام را، که توده‌ها را به نبرد علیه‌شاه آمریکا - اسرائیل فرامی‌خواند، خاموش کند. اما چنانکه رسم تاریخ است، این صدامی بر حق خاموش نشد. چندان طول نکشید که مردم قهرمان ایران زیر پرچم رهبر تبعیدی خود گرد آمدند و ایران یک دهان شد، که خواستش این بود: - مرگ بر شاه! - مرگ بر آمریکا!

دژخیمان شاه - آمریکا برای خاموش کردن این فریاد میلیونی، دست به جنایات هولناکی زدند، که در ۱۳ آبان ۵۲ به اوج خود رسید. در این روز جلادان آمریکایی دانشجویان و دانشآموزان را بارگبار مسلسل‌ها درو کردند، تا راه انقلاب را سد کنند.

اما انقلاب بساط سلطنت را بنیز باله‌دان تاریخانگند و با شمار: "بمد از شاه‌نوبت آمریکا است"، به سگرهای باقیمانده امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، بیورش برد. این بیورش که دشمنان رنگ - رنگ انقلاب از لیبرال‌ها که در دولت بودند گرفته تا مؤسسه‌های آمریکائی، ساواکی‌ها، بزرگ سرمایه‌داران و کلان - زمینداران و... می‌کوشیدند به انواع حیل آن را سد کنند، در سیزدهم آبان ۱۳۵۸ به مرحله کیفی نوبتی رسید. وقتی که دولت مردان لیبرال از ملاقات با برزیل‌سکی، مشاور امنیت کارتر رئیس جمهور وقت دشمن اصلی، باز می‌تشتند و انقلاب در آستانه مسخ شدن بود، جوانان مسلمانان انقلابی دلیرانه به صحنه نبرد پا گذاشتند. آنها، که به فرمان رهبر انقلاب، حملات خردرا علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده بودند، ظهر سیزدهم آبان ۱۳۵۸ از دیوار لانه جاسوسی آمریکا در ایران بالا رفتند و در اصلی توطئه علیه انقلاب را فتح کردند.

این عمل قهرمانانه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، "انقلاب دوم" را در ایران آغاز کرد، انقلابی که، به قول امام خمینی، "بزرگتر از انقلاب اول بود". "انقلاب دوم"، که رسوائی هر چه بیشتر امپریالیسم آمریکا و بسیج توده‌ها برای قطع ریشه‌های آن را هدف گرفته بود، بلافاصله با تأیید رهبر انقلاب و توده‌های میلیونی روبرو شد.

رهبر انقلاب گفت: - در ایران باز انقلاب است، انقلاب بزرگتر از انقلاب اول - گروگانگیری عکس العمل جنایات آمریکا بود. - الان مرکز فساد آمریکا را جوان‌ها گرفتند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی - تواند بکند.

در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکا است.

... در پاسخ این ندای انقلابی، توده‌های میلیونی از دورترین نقاط به تهران آمدند و در مقابل لانه جاسوسی، با فریاد "مرگ بر آمریکا"، ننگ و نذرت خود را نثار دشمن اصلی کردند. ایران یکپارچه "مرگ بر آمریکا" شد. تا ماهها، شب و روز، کارگرد هفتان روشنگر و زحمتکش، زن و مرد، بزرگ و کوچک، بی‌وقفه از مقابل لانه جاسوسی رژه رفتند و شعار "مرگ بر آمریکا" سر دادند.

با فتح لانه جاسوسی آمریکا، نه تنها انقلاب از مرگ زود رس بدست لیبرال‌ها نجات پیدا کرد، بلکه جان تازه گرفت و خروشان به پیش تاخت.

بدنبال سخنان امام خمینی، ۲۶ آبان ۱۳۵۸ گفتند: "قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری بمروری یکدیگر منحرف و روی دشمن انسانیت، که در راس آن آمریکا است، نشانه روید".

مردم ایران با شعار: "به گفته خمینی، آمریکا دشمن اصلی ماست" بسیج شدند و این فریاد تا اعماق روستا ها، تا قلب کارخانه‌ها رسوخافت. بی - گمان همه گیر شدن این شعار، که در عرض چند روز به دور دست ترین نقاط ایران رفت و مستقیماً دشمن اصلی - آمریکا - را هدف قرار داد، در شرایطی غیر از آن شرایط، که تسخیر جاسوسخانه آمریکا فراهم آورد، به سالیان دراز وقت نیاز داشت.

با افشاگری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مردم ما با توطئه‌های آمریکا و عملکرد آن بیشتر و بهتر آشنا شدند و به روشنی تمام دریافتند که چگونه از لانه جاسوسی آمریکا همه - توطئه‌ها نه تنها علیه انقلاب ایران، بلکه علیه جنبش‌های مترقی و حرکت - های انقلابی در سراسر منطقه هدایت می‌شده است.

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر روند مبارزه نیروهای محافظه کار و لیبرال از یکسو و نیروهای انقلابی و مردمی از سوی دیگر، تأثیر جدی گذاشت. دو جناح عمده حاکمیت در آن زمان، تحت تأثیر این حادثه، آشکارا در مقابل هم صف بندی کردند. اسنادی که از لانه

جاسوسی آمریکا بدست آمد، چهره واقعی لیبرال‌ها و نقشه‌های سازشکارانه آنها روشن کرد چهره‌های ناشناس لیبرال را به مردم معرفی نمود و نشان داد که چگونه جاسوسان آمریکا در پشت سخنگوی دولت لیبرالی فعالیت داشتند. و سرانجام با سقوط دولت لیبرالی و تشدید مبارزه دو جناح، توده‌های خلق با "خط امام" و مخالفان آن، از جمله لیبرال‌ها بیشتر و بهتر آشنا شدند. تشدید مبارزه انقلابی و طبقاتی چنان بود که شعار "مرگ بر لیبرال سازشکار" در ردیف شعارهای اصلی قرار گرفت و یکی از خطرناک‌ترین نقشه‌های دشمن، یعنی مسخ انقلاب از درون به یاری لیبرال‌ها اشلار در آن مرحله خنثی شد.

در عرصه جهانی نیز عکس العمل کشورهای مختلف، صف دوستان و دشمنان انقلاب را مشخص کرد و روشن شد که کدام نیروها در کنار آمریکا و کدام در کنار ایران انقلابی قرار دارند.

"گروگان" های جاسوس آمریکائی سرانجام در بهمن ماه ۱۳۵۹ آزاد شدند ولی روند بعدی حوادث و توطئه‌های آمریکا این واقعیت را تأیید کرد که، آمریکا ایران را می‌خواسته و می‌خواهد، نه "گروگان" ها را. وقتی بعد از آزادی "گروگان" های جاسوس، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، به توطئه های رنگارنگ خود علیه ایران ادامه داد، پتیه همه آنها - توطئه لیبرال‌ها که تبلیغ می‌کردند آمریکا فقط بخاطر "گروگان گیری" به خصومت با ایران بر - خاسته، روی آب افتاد. باز به اثبات رسید که آمریکا ایران را می‌خواهد.

اکنون، در سالگرد روز تاریخی ۱۳ آبان، امپریالیسم جهانی، به سر - کردگی امپریالیسم آمریکا در سطح منطقه آماده تهاجم به کشورهای انقلابی و در راس آنها ایران می‌شود. چنانکه، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران اعلام می‌کند:

"توطئه جدیدی در حال تکوین است. این توطئه بزودی به سراغ ما خواهد آمد. (۲۶ مهر - جمعه جمهوری اسلامی)

از این روست که در سالگشت ۱۳ آبان، خلق ما متحد و یکپارچه با شعار "مرگ بر آمریکا" این روز را گرامی میدارد و میثاق می‌بندد که به رزم خود، تاریخکن شدن سلطه امپریالیسم بسرکردگی آمریکا از ایران ادامه دهد.

اتحاد مردم

باید در عمل

بقیمه از صفحه ۱
بزرگ، با شوری به وسعت نفرت مردم از دشمنان آزادی و استقلالشان، روانه این خطه میشوند و هر روز گروهی از بهترین آنها، یا بر سر دستها و یا با زخمی بزرگ بر پیکرشان به شهر و دیار خود باز میگردند. آنها خون میدهند تا انقلاب پایدار بماند و نیروی دشمن تحلیل رود. یکسال است که نبض انقلاب در این نقطه می‌تپد.

فزون از یکسال پیش رژیم صدام به تحریک و با حمایت بسی در پیخ امپریالیسم آمریکا و متحدان و وابستگان اش، خاک ایران انقلابی را مورد تجاوز قرار داد. تجاوزگران تصور میکردند که با وجود خائنینی چون بنی صدر و دیگر عوامل توطئه‌گر تا شناخته شده در مقامات حاکمیت، خواهند توانست ظرف چند روز انقلاب را درهم بکوبند و نابود کنند. اما مردم انقلابی، نیروهای بسیج مردمی، پاسداران جان بر کف انقلاب و ارتشیان دلاور در مقابل متجاوزان ایستادند و با سلاحی اندک و گاه بادستی خالی، از بیشروری دشمن مسامحت کردند و تمام محاسبات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را بر هم زدند.

شکست طرح "پیروزی برق آسا"، که با فداکاری و از جان گذشتگی مردم انقلابی عملی گشت، طرح دیگری را در دستور دشمنان تشنه بخون انقلاب قرار داد و آن بهره‌جویی از ادامه جنگ فرسایشی به منظور تضعیف انقلاب بخاک و خون کشاندن بهترین فرزندان انقلاب و تحلیل بردن بنیه اقتصادی کشور بود. و این هدفی است که بیش از یکسال است دنبال میشود.

در این دوران، رژیم جنایتکار و صدام، با پشتوانه حمایت همه جانبه کلبه دولت‌های مترجم و سرسپرده منطقه از سلاح‌های مصر و آواکس عربستان گرفته تا تسهیلات بندر عقبه، از مبارزه

های فرانسوی گرفته تا تانک‌های چیفتن انگلیسی و تجهیزات امریکائی، از حمایت همه‌جانبه دستگاه تبلیغات امپریالیستی گرفته تا جانبداری جهان سرمایه در کلیه مجامع دیپلماتیک، میهن انقلابی ما را مورد حملات وحشیانه قرار داد. بمباران شهرها و ویران کردن بیمارستان‌ها از هوا و زمین، با موشک‌های ۹ متری و خمسه‌خمسه، که با هدف ویران کردن کلیه آثار زندگی بعمل می‌آید، چهره واقعی رژیم صدام را آشکار میسازد.

جنگ عادلانه با تجاوزگران صدامی، جنگی که هر روز عده‌های از مدافعان انقلاب را به خاک و خون می - کشاند و دهها هزار تن از جوانان را در جبهه و میهنیونها نذر فرار در پشت جبهه به خدمت دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گرفته است. مسئله اصلی ما است، و شکستن خنجر خونینی که در پهلوی انقلاب ایران قرار گرفته و کلیه نیروهای امپریالیستی و توطئه‌گران داخلی میکوشند، تا آنرا هر چه بیشتر در پیکر جمهوری اسلامی ایران فروکنند، وظیفه اصلی ماست.

این واقعیتی است که خنجر خیانت و تجاوز صدام تا بحال خون‌های بسیار از پیکر انقلاب فرو ریخته و با نابود کردن گروهی از بهترین و موثرترین مدافعان آن، لطحات سنگین بر انقلاب وارد ساخته است. اما این نیز حقیقتی است که به برکت پایداری و جانبازی توده‌های میلیونی مردم ما در مقابله با این توطئه خطرناک، صدام هر روز بیشتر در ورطه شکست و نابودی فرو می‌رود و جنبش انقلابی مردم عراق علیه خودکامگی‌ها و جنایات صدام و عوامل وی، اوج بیسابقه یافته است. سپاه پاسداران در این جنگ میهنی آبدیده شده و به نیروی کار آزموده و مجهز بدل گشته و ارتش در این آزمون بزرگ جای واقعی خود را به عنوان نیروی مسلح مدافع انقلاب باز یافته است.

پایداری انقلاب در این جنگ تحمیلی، که به نیروی حمایت توده‌های

میلیونی مردم تحقق پذیرفت، چهره واقعی شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا را، بعنوان دشمن اصلی و جنایتکار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، بیش از پیش بر مردم و مسئولین نمایاند و این واقعیت را بار دیگر ثابت کرد که نه فقط مسئله اصلی جنگ است، بلکه دشمن اصلی نیز امریکاست و باید تمام نیرو و توان وامکانات را، همانگونه که امام خمینی گفته‌اند، برای حل مسئله جنگ و علیه تجاوزگر اصلی - آمریکا متوجه ساخت.

اما این نتایج عظیم، که به برکت تجارب سخت‌پدید آمده است، نباید تنها در شکل شعار باقی بماند. اگر مسئله اصلی جنگ است، باید در عمل بدان جای اصلی را داد و تمامی اقدامات لازم را برای گسترش پایه‌های توده‌های جنگ تدافعی، که تنها ضامن حفظ انقلاب از گزند تجاوز و شکست تجاوزگران صدامی است، انجام داد. باید با تصویب و اجرای سریع وقایع اصلاحات ارضی بنیادی، ۱۸ میلیون دهقان را، که بخش عمده نیروهای مسلح را تشکیل میدهند، بیش از پیش به ضرورت دفاع تا پای جان از انقلاب معتقد ساخت و با مبارزه قاطع با کلان سرمایه‌داران غارتگر از طریق تصویب و اجرای هر چه سریعتر دولتی کردن بازرگانی خارجی، بازرگانی کمر - شکن را از دوش میلیون‌ها کارگر و زحمتکش برداشت و به آنها نشان داد که تنها پیروزی انقلاب ایران، که جز به قیمت دفاع فداکارانه از آن میسر نمی‌شود، استقلال، آزادی، رفاه، سعادت و آبروی آنها به ارمغان خواهد آورد.

و اگر دشمن اصلی امریکاست، باید تمام توجه و نیروی خود را علیه آن متوجه ساخت و با هر گونه گرایش نحرافی برای خارج ساختن آمریکا از برضربه، قاطعانه مبارزه کرد و شعار "مرگ بر آمریکا" را یک دم فراموش نکرد. باید در عمل نشان داد که مسئله اصلی جنگ و دشمن اصلی امریکاست.

گران تادندان مسلح قدس به روشنی تصویر می‌کند:



داری کلان و بطور کلی مالکیت بزرگ خصوصی است. اجرای سریع ملی کردن تجارت خارجی قاطع و فوری بند ج "ویند" در روند به تأخیر افتاده "اصلاحات دموکراتیک ارضی"، گسترش بی‌وقفه مالکیت دولتی بر صنایع کلیدی و تولید بزرگ، توسعه همه‌جانبه تعاونی‌ها و مالکیت تعاونی، اعمال کنترل دولتی بر شبکه‌های حمل و نقل و توزیع کالا و عرضه‌های عمده خدمات و تجدید نظر اصولی در توزیع درآمد و ثروت عمومی همه اینها مبارزه عملی با امپریالیسم و شیطان بزرگ امریکاست. انقلاب، به دلیل سازشکاری و تسلیم طلبی لیبرال‌ها و عناصر و جاسوسان متعهد به امپریالیسم، که در زمان دولت موقت لیبرال و از مجرای جامعه و دستگاه‌های اجرائی دست انداخته بودند، فرصت‌های گرانبهای را از دست داد است. تحقق این آمال و هدف‌های انقلابی، ملی و مردمی دیگر تاخیر بردار نیست. از همین روست که مردم و نیروهای اصیل هواداران انقلاب، با شناختی که از روش سیاسی نخست‌وزیر جدید دارند، انتخاب ایشان را گامی در جهت وصول به این هدف‌ها و رفع این نیازها میدانند. مردم خوشبین تر از گذشته منتظرند...

شهرکندگی کند امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند

شده برانگیخت. "اتحاد" ارگان حزب کمونیست اسرائیل به این دستگیری شدیداً اعتراض نمود. صهیونیست‌ها پس از ۹ روز مجبور به آزاد کردن هنرمند فلسطینی شدند. سلیمان منصور در آثار خود اعمال فاشیستی صهیونیست‌ها را افشا کرده و به زمندگان فلسطینی در مبارزه با اشغالگران نیرو و امید می‌بخشد. روزنه زمینی "یکی از کارهای اوست که بازوی توانای مردم زحمتکش فلسطین را در غلبه نهایی بر بیداد

مهندس میرحسین موسوی آنرا "محور اصلی سیاست داخلی و خارجی" کشور اعلام داشته بود، در عرصه بین‌المللی اما ج‌های نسبتاً روشنی دارد، که در نطق مجمع عمومی سازمان ملل متحد رئیس اساسی آن ترسیم شده بود. این مبارزه حیاتی اما در داخل کشور بفرج تر و، میتوان گفت، دشوارتر است. مبارزه برضد امپریالیسم و برضد شیطان بزرگ آمریکا در سیاست خارجی، موقعی میتواند به ثمربخشی خود مطمئن شود که وظایف خود را در داخل کشور سامان داده باشد. در غیر این صورت، اراده یکفرد یا یک گروه از افراد و خوی و خصلت انقلابی آنها به تنهایی نمیتواند پیگیری و موفقیت نهایی این مبارزه را تضمین کند. برعکس، این اراده و این خوی و خصلت و روشن بینی، بدون داشتن زمینه عینی لازم بدون در هم - شکستن قطعی پایگاه‌های داخلی امپریالیسم، بدون بیرون آوردن اهرم - های کلیدی اقتصاد از دست عوامل و ابادی آن و ازهم پاشیدن مناسبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و نظامی زائیده در آن و زاینده آن، در طی زمان محکوم به شکست خواهد بود. مهمترین پایگاه‌های داخلی امپریالیسم و متحدان سیاسی جهانی آن در میهن ما سرمایه‌داری بزرگ و وابسته زمین

چندی پیش اشغالگران قدس سلیمان منصور نقاش و کاریکاتورست پر آوازه فلسطینی را به جرم عکس برداری از مناطق "منوعه نظامی" دستگیر و زندانی کردند. اشغالگران برای سرکوبی مخالفان خود همیشه از این بهانه‌ها استفاده می‌کنند. جایی که سلیمان منصور در آن عکسبرداری می‌نمود در حقیقت مناطق مسکونی اعراب فلسطینی بود. دستگیری این هنرمند به این بهانه موجهی از اعتراض در مناطق اشغال

تأیید

بقیمه از صفحه ۱
اساس این واقعیت، حرکت مصمم سیاست خارجی کشور را برای رها کردن گریبان خود از جنگال ارزشها وارثیه لیبرال - ها که از آغاز انقلاب بروزارت امور خارجه چهره بودند، با خوشبینی ارزیابی کردیم. اینک رئیس جمهوری، که ۱۶ میلیون رای مردم پشتوانه اوست و اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی، همین راه‌روم را ترغیب می‌کنند. انتخاب وتا پدید آقای موسوی در واقع رای اعتماد به این خط است و آن پشتوانه وزینی که از آن یاد شد، گواهاست که این خط، که همان خط امام خمینی و خط راستین انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، برای پیشرفت و نشستن به کرسی پیروزی، از امکان و نیروی ذخیره سیاسی بزرگی برخوردار است خطی که بخاطر قراردادن در راستای خواست‌های اصلی انقلاب و مردم دورنما دارد و میتواند نیروی ذخیره مادی و معنوی خود را در جریان عمل و با جلب اعتماد بیشتر توده‌ها با زهم افزایش دهد.

مبارزه با امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا، که آقای

به مناسبت سالگرد نبرد مسلحانه آزادیبخش

خلق الجزایر

(۱۰ آبان ۱۳۳۳ - ۱ نوامبر ۱۹۵۴)

کل فرآورده‌های این کشور را تولید می‌کند. در الجزایر همه واحدهای اقتصادی خارجی یا ملی شد و یا به صورت شرکت‌های مختلط درآمد. در این کشور مالکیت خصوصی هنوز در بخش‌های کشاورزی، ساختمان، بازرگانی داخلی، صنایع سبک و خدمات وجود دارد. در اقتصاد الجزایر آهنگ سرمایه‌گذاری و رشد به ویژه در صنایع مواد اولیه چشمگیر است. در این زمینه بخش تولید نفت و گاز دارای اهمیت خاص است و با تأمین ۹۸ درصد درآمد صادراتی، بزرگترین منبع ارزی کشور را تشکیل می‌دهد. در این بخش اکنون در حدود یک سوم فرآورده اجتماعی الجزایر، که در سال ۱۹۸۰ بیش از ۲۶ میلیارد دلار ایالات متحده بود (۶/۷ میلیارد - ۱۹۷۰)، تولید می‌گردد. الجزایر در سال ۱۹۷۹ در حدود ۵۰ میلیون تن نفت و ۲۱/۴ میلیارد مترمکعب گاز تولید کرد.

کشاورزی ده سال پیش (۱۹۷۱) در الجزایر "انقلاب کشاورزی" ("Revolution Agricole") آغاز شد، که دستاوردهایی مهم در پی داشت (ایجاد بیش از ۶۰۰۰ تعاونی، تقسیم ۱/۳ میلیون هکتار زمین، تأسیس روستاهای انقلاب کشاورزی و غیره). با این همه، به سبب میراث شوم استعمار، رشد شتابان از محصولات کشاورزی در سال‌های گذشته رو به کاهش بوده است. از اینرو، کشاورزی الجزایر اکنون می‌تواند تنها ۴۰ درصد نیازمندی‌های غذایی سکنه را تأمین کند. دولت الجزایر چندی است که به حل این مسئله و برخی دیگر از دشواری‌های اجتماعی (مانند کمبود مسکن و بیکاری) توجه خاصی مبذول می‌دارد.

تجربیات کنونی و ارزیابی منتقدانه آنها رهبری الجزایر را بر آن داشت تا در کنگره چهارم (۱۹۷۹) و کنگره فوق‌العاده "حزب جبهه آزادی بخش" (۱۹۸۰) و پلنوم‌های گوناگون کمیته مرکزی وظایف جدیدی را برای سال‌های آینده، تعیین کند.

اوضاع کنونی در پانزدهم (۱۳۵۹) پایان نوامبر ۱۹۸۰ برنامه پنجساله‌ای (۱۹۸۴-۱۹۸۰) به تصویب رسید، که وظایف نامبرده در آن بازتاب می‌یابد. مهم‌ترین این وظایف عبارت است از: بهره‌برداری کامل از گنجایش صنعتی موجود، تکمیل سرمایه‌گذاری‌های آغاز شده، افزایش تولید کشاورزی، اجرای طرح‌های آبیاری و بهبود سریع شرایط در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی.

چهارمین پلنوم "حزب جبهه آزادیبخش ملی" که در اوایل زمستان ۱۳۵۹ (دسامبر ۱۹۸۰) برگزار شد، تدابیر جدیدی درباره افزایش سهم گاز در صادرات، بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت برای نیازمندی‌های صنایع تبدیلی و اکتشاف دیگر صنایع انرژی (ذغال سنگ، آب) اتخاذ کرد.

در بهار امسال (مه ۱۹۸۱) هیئت وزیران الجزایر طرحی را برای بازسازی واحدهای کشاورزی و تشویق تولید این بخش به تصویب رساند.

چند هفته بعد (ژوئن ۱۹۸۱) پنجمین پلنوم کمیته مرکزی "حزب جبهه آزادیبخش ملی" تصمیماتی را درباره شرکت دادن بیشتر بخش خصوصی در پیشبرد برنامه پنجساله جاری اعلام داشت.

اکنون ۹۰ درصد بازرگانی خارجی الجزایر با کشورهای سرمایه‌داری است. رهبری کنونی الجزایر، برای تحکیم بیشتر استقلال ملی، چندی است که در راه گسترش مناسبات بازرگانی خارجی این کشور با کشورهای سوسیالیستی و رشد یابنده کوشش می‌ورزد.

"جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" در "سازمان ملل متحد" "جنبش غیرمتعهدها" "سازمان وحدت آفریقا" و "جبهه پایداری و رویارویی" عضویت دارد و از سیاست خارجی ضد امپریالیستی پیروی می‌کند.

آنها مربوط است، آمادگی کامل دارند. آنها که انقلاب کرده‌اند، خود آمادگی دفاع از آنرا هم دارند. تکیه به مردم همان اعتماد کردن به مردم در عمل است. باید مسائل و کوه‌ها را صاف و صریح با مردم در میان گذاشت، با آنها شور کرد و از آنها نظر خواست و باری فعال آنها را در همه شئون و امور طلبید.

نام رسمی: "الجمهوریه الجزایریه الديموقراطیه الشعبیه" - "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر".
سرزمین: "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع مساحت دارد و بدین سان بزرگترین کشور مترب (آفریقای شمال غربی) بشمار می‌رود.
سکنه: در "جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" ۱۹۷۰۰۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند (۹ تیر ۱۳۵۹، که ۹۰ درصد آن‌ها عرب و بربر هستند).

مذهب رسمی: اسلام.
زبان رسمی: عربی. فرانسه هم بسیار رایج است.

پایتخت: الجزیره (۱۹۸۸۰۰۰ نفر).
"جمهوری دمکراتیک خلق الجزایر" از نژاداری به ۳۱ "ولایت" تقسیم می‌شود.
پول: دینار الجزایر (DA) : ۱ دینار الجزایر = در حدود ۵۰ سنت.

حاکمیت: الجزایر کشوری است مردمی-دمکراتیک، که در آن رئیس جمهور از اختیارات خاص برخوردار است. در این کشور پس از دستیابی به استقلال در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۴۱ (۵ ژوئیه ۱۹۶۲) روندی مترقی آغاز شد. پنج سال پیش (۱۹۷۶) در این کشور "منشور ملی" و قانون اساسی جدید به تصویب رسید که در آن‌ها سمت‌گیری آتی الجزایر معین گردیده است. رئیس حکومت الجزایر، برزیدنت شاذلی بن جدید است، که همچنین دبیرکل "حزب جبهه آزادی بخش ملی" است. "مجلس ملی خلق" پارلمان الجزایر است و ۲۶۱ نماینده را دربرمی‌گیرد.

تاریخ: در روز ۱۰ آبان ۱۳۳۳ (۱ نوامبر ۱۹۵۴) نبرد مسلحانه آزادیبخش خلق الجزایر علیه استعمارگران فرانسوی آغاز شد و پس از شش سال (۱۹۶۲) به استقلال این کشور انجامید. یک سال بعد دارایی‌های فرانسوی در صنعت و کشاورزی ملی شد. دو سال پس از استقلال (۱۹۶۴) در سومین کنگره "جنبش آزادی بخش ملی" "منشور الجزیره" به تصویب رسید. نخستین رئیس جمهور الجزایر بن بلا بود، که در سال (۱۹۶۳) سیاستی مترقی را آغاز و برزیدنت بومدین آن را دنبال کرد. از مرگ بومدین (زمستان ۱۳۵۷) تاکنون شاذلی بن جدید ادامه‌دهنده این سیاست است، که در این میان در "منشور ملی" و قانون اساسی الجزایر نیز تسجیل شده است.

احزاب و سازمانها: "حزب جنبش آزادیبخش ملی" (Parti Du Front De Liberation Nationale - FLN) - سه در دوران نبرد آزادیبخش صد استعمار همه نیروهای میهن‌دوست را دربرمی‌گرفت، راه‌گذار به حزبی انقلابی - دمکراتیک و پیشاهنگ را می‌پیماید و موقعیت خود را به عنوان رهبر سیاسی جامعه تحکیم می‌بخشد. این حزب بویژه بر سازمان‌های توده‌ای، از جمله فدراسیون سندیکایی "UGTA"، سازمان جوانان "UNJA"، اتحادیه دهقانان "UNPA" و تشکیلات زنان "UNFA" متکی است.

آموزش و پرورش: در حالی که ۱۹ سال پیش (۱۹۶۲) در حدود ۹۰ درصد مردم الجزایر بیسواد بودند، اکنون هرساله ۷۵ درصد کودکان مدرسه ابتدایی را آغاز می‌کند. پنج سال پیش اصلاحاتی در آموزش و پرورش الجزایر آغاز شد، که هدف آن آموزش‌همگانی اجباری نه کلاسه است.

بهداری: از ۱۱ دی ۱۳۵۳ (۱ ژانویه ۱۹۷۴) تاکنون خدمات پزشکی در الجزایر رایگان است. سال پیش الجزایر در حدود ۱۹۵ بیمارستان و بیش از ۴۵۰۰ پزشک داشت.

صنعت تحولات مترقی در الجزایر به دگرگونی‌های مهمی در مناسبات تولیدی در این کشور انجامیده است. الجزایر در مدت زمانی کوتاه از کشوری کشاورزی به کشوری دارای صنعتی پویا تبدیل شد. بخش دولتی، که ۷۰ درصد ظرفیت صنعتی را دربرمی‌گیرد، ۹۰ درصد

شبه تعاونی‌های مردمی، تشویق مردم و امکان دادن به آنها و نهادها و تشکلهای برآمده از مردم، مانند انواع شوراهای، برای نظارت بر تولید و توزیع و کنترل نرخ‌ها و غیره، در این کار و کارزار، چاره‌ساز است. مردم نشان داده‌اند که همواره برای پیشبرد آنچه به مصالح واقعی انقلاب و سرنوشت و رسیدگی

پایگاه‌های ترور ریسم اقتصادی

پایگاه‌های ترور ریسم اقتصادی در مرحله نخست همان پایگاه امپریالیسم در میهن ماست. مبارزه ضد امپریالیستی هنگامی به نتیجه مطلوب می‌رسد، که این پایگاه‌ها و مناسبات برآمده از آن ویران شود. برچیدن بساط کلان-سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران، اجرای نام و تمام قانون ملی کردن تجارت خارجی، کوتاه کردن دست مختکران، سفته‌بازان، بزرگ-دلالتان، بریاکنندگان بازار سیاه و ایجادکنندگان کمبود تصنعی، اداره‌کنندگان بازار قاچاق و هم-چنین، به قول رئیس مجلس شورای اسلامی "گردن کلفت‌های اقتصادی"، که ادامه حیات اقتصادی آنها به معنی میکشد شدن بازم بیشتر خون زحمتکشان و مستضعفان است. در واقع مبارزه عملی برای بیرون انداختن کامل امپریالیسم و بی بازگشت کردن این مبارزه استقلال طلبانه و حیاتی است.

در مرحله دوم، مبارزه با ترور ریسم اقتصادی، کوشش برای خشکاندن ریشه امپریالیسم است. لیبرالیسم در عرصه اقتصاد میهن ما با هزار رشته مرئی و نامرئی به بازار جهانی سرمایه‌داری انحصاری وابسته است و به همین دلیل موجب مداخله و گسترش مناسبات وابستگی است. خشکی کردن ایزدی-ها و امپریالیسم‌ها، در عین حال که مبارزه با علت امپریالیسم است، مبارزه با معلول است، نه با علت. علت امپریالیسم، پایگاه‌ها و مناسبات اقتصادی وابسته به آن، آمیخته به طبیعت آن و یا متمایل به آن است. تا وقتی این پایگاه‌ها و مناسبات وجود دارد، جای ایزدی‌ها، امپریالیسم‌ها و قطب‌زاده‌ها و مدنی‌های شناخته شده را ایزدی‌ها، امپریالیسم‌ها و قطب‌زاده‌ها و مدنی‌های ناشناخته به نام نمایندگان منافع و حامیان امپریالیسم پر می‌کنند. برای از بین بردن پشه‌های مرداب، باید مرداب را خشکاند، باید نه تنها مناسبات زانده‌وار، استثمارگرانه و وابسته را محدود کرد و یا از بین برد، بلکه ثروت‌های غارت شده را، که ذخیره ضدانقلاب است، به بیان حجت الاسلام رفسنجانی، "حتی اگر در مهربی زنان" "گردن کلفت‌ها" و مستکبران باشد، به نفع محرومین باز پس گرفت

شبه مبارزه

با تروریست‌های عرصه اقتصاد

مبارزه با ترور ریسم اقتصادی، همان کشتن و محرومین است. انقلاب اسلامی ایران بر دوش همین زحمتکشانی بی‌تصیب و به قول امام خمینی "پارهنه‌ها و کوخ‌نشینان" بسر منزل پیروزی رسید و با خون و استقامت و پایداری اینان، هر خطر و هجومی را تا کنون دفع کرده است. بخشی از وظیفه دفاع عملی از این یاران وفادار انقلاب، برداشتن بار سنگین گران، و تورم و کمبود از گردنه آنها است. قطع موجبات و وسایل دوشیدن و میکیدن خون و رفق آنهاست. مبارزه با ترور ریسم اقتصادی، در هم کوبیدن شبکه‌های تودرتو و انحصاری توزیع کالا

سایر پایگاه‌های غارت و احتکار و گران‌سلف خری و بیکاری و بازار سیاه و استثمار و وحشیانه-ترین دفاع از مستضعفان است. پیروزی انقلاب در تحلیل نهایی بستگی به دگرگونی اقتصادی-اجتماعی جامعه به سود توده‌های میلیونی زحمتکش شهر و روستا و توزیع عادلانه ثروت، حصول کار اجتماعی و امکانات رفاهی و خدماتی در تمام عرصه‌ها دارد. تلاش در این روند، باید از یکسوتوجه از بین بردن مناسبات انحصاری اقتصادی - سالم و بیرون کشیدن آن از دست به اصطلاح تروریست‌های اقتصادی باشد، و از سوی دیگر با تجدید نظر در توزیع درآمد عمومی و تجدید توزیع ثروت‌های غارت شده و انباشته، قطعی بودن جامعه را تعدیل کند، و فاصله فقر و ثروت و کاخ و کوخ را به حد معنادار و قابل پذیرش برساند.

همانطور که موفقیت در عرصه مبارزه با ترور ریسم سیاسی، به میزان حضور و شرکت مردم در این عرصه بستگی داشت و دارد، مبارزه زرف و همه‌جانبه با ترور ریسم اقتصادی، چه در شکل احتکاری آن، چه در شکل ایجاد بازار سیاه تصنی، چه گران‌سلف مصنوعی ناشی از انحصاری کردن شبکه‌های توزیع و عرضه کالا و چه اشکال دیگر، نیازمند بسیج توده‌ها و شرکت مستقیم و مبتنی بر نظم و برنامه آنهاست. در کنار وضع قوانین انقلابی و اجرای سریع و قاطع آنها، در کنار امر ملی کردن وسایل و مواضع کلیدی اقتصادی بطریقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده باری مادی و معنوی دولت در گسترش و تقویت

ترور ریسم اقتصادی

تاکید کرد که، آنچه از مستضعفان ربوده شده، باید از مستکبران و "گردن کلفت‌ها" پس گرفته شود، حتی اگر مهربان‌نشان باشد. رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه نماز جمعه هفته قبل، ربایندگان بیت‌المال و سود پرستان و خرابکاران فعال در عرصه‌های اقتصادی را با عنوان "ترور ریسم اقتصادی" مورد خطاب قرار داده بود. در پی این خطاب، حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب اسلامی نیز بخشی از مباحث مطبوعاتی و رادیویی تلویزیونی خود را به "ترور ریسم اقتصادی"، که موربان‌وار انقلاب را از پایه‌های خود، اختصاص داد. دادستان کل انقلاب این ترور ریسم‌ها را که در سینه‌های مختل‌کنندگان و دسیه‌گران در جبهه اقتصاد عمل میکنند، "ترور"، "جانی‌تار" و "ضدانقلاب" توصیف کرد و تصمیم به "مقابله شدید" و "محاكمه" آنها را به تأکید اعلام داشت.

مطرح شدن خطر حدی ترور ریسم اقتصادی، درست در شرایطی که تلاش‌های مکرر و متنوع ترور ریسم سیاسی برای تحلیل بردن و به زانو درآوردن انقلاب با شکست‌های سختی روبرو شده است، بیش از همه نشانه عزم انقلاب برای فاتح آمدن بر یکی از موانع بزرگ و ریشنا است. ترور ریسم اقتصادی به مراتب از ترور ریسم سیاسی مهلک‌تر، و در روش‌های خود مودی تر است. ترور ریسم فراتر از مدت کوتاهی کمر شکن شد، به مبارزه‌های و خرابکاری‌های شبکه‌های ساواکی و آمریکایی با ضربات خردکننده‌ای از سوی مردم مواجه گردید، سازمان مجاهدین خلق، با همه وسعت و نفوذی که مرهون مبارزات پایه‌گذاران شهید آن بود، در مدت کوتاهی دچار ورشکستگی شد و تلاش‌های بی‌منطق و انتحار آمیز آن در این گوشه و آن گوشه، برغان همین انقلاب و سره یاس‌ناشی از آن است. اما پیروزی بر ترور ریسم اقتصادی، دشوارتر و نیازمند به وقت‌انرژی و پیگیری و هوشیاری و مهارت بیشتر است. برای درهم شکستن این دشمن نگار، کما لحدنا و نیروی اقتصادی و مناسبات عمیق و کهن اجتماعی او، پشتوانه جهانی او، و سلطه او بر مواضع کلیدی و حساس اقتصاد کشور است، باید نخست او را در حسابات و ظرفیت‌های شناخت.

ترور ریسم اقتصادی

آمدن پای امپریالیسم

ترور ریسم اقتصادی روی دیگر سکه ترور ریسم سیاسی و تحذیر کننده است. ترور ریسم اقتصادی با آثار بر توده‌ها، دامن زدن به ناراضی‌ها و کینه‌دما، دل‌سرد کردن مردم از انقلاب، برای ترور ریسم سیاسی زمینه‌سازی میکند. در حالی که از نخستین روز پیروزی انقلاب، ترور ریسم سیاسی ابزار عده‌ای در دست ضد انقلاب داخلی و خارجی بود، هم ضد انقلاب داخلی و هم الهام دهنده و مرشد و محل اتکای آن، یعنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، آمدن پای خود را به ترور ریسم اقتصادی بسته بودند.

ترور ریسم اقتصادی در چهره خارجی آن بر آن بود که با محاصره و تحریم اقتصادی ایران انقلابی، حامدای را که از دولت سر رژیم شوم شاه، بند بند وجودش در گرو واردات افسار گسیخته خارجی بود، به تسلیم و تحکین وادارد و اگر سازش میسر نشد، از درون آنرا از هم بپاشد. این توطئه و شائناژ بوسیله ترور ریسم‌های اقتصادی داخل کشور تکمیل میشد، جلوه باز آن را در افشاکری تکان دهنده سرپرست اسبق سازمان برنامه بودجه در مجلس شورای اسلامی دیدیم. ویران‌شده ایسن افشاکری اقتصادی که درست در شرایطی که فشار محاصره اقتصادی امپریالیستی علیه ایران انقلابی تنگ-تر و شدیدتر میشد، تزار و واردکنندگان کلان، مختکران، سفته‌بازان، وزد و بند جهان بازار تنها در ظرف یکسال ۱۲۰ میلیارد تومان سود خالص، یا به عبارت درست تر تجارت خالص داشتند. این رقم سرگیمه‌وار برابر است با حجم تاراج این حضرات در پناه نظم منحوس شاهنشاهی طی پنجاه سال. و کینه مسئله هم اینجا است. ضربات خون‌سردانای که این دشمن واقعی و نقاب دار انقلاب بر حساس‌ترین اعضای آن وارد می‌آوردند و با فشردن گلولی مستضعفان، حامیان واقعی انقلاب را به سوی سرخوردگی و یاس آن می‌براندند، به مراتب زهر آکن‌تر از گلوله‌هایی بود که ترور ریسم‌های آمریکایی فراتر به سینه و شقیقه رهبران انقلاب شلیک میکردند. ترور ریسم‌های فراتر میوه‌ها و گل‌های سر سید انقلاب را پایمال میکردند، اما ترور ریسم‌های اقتصادی با خاطری آسوده و ظاهری حق به جانب، به ریشه انقلاب نیشه می‌زدند.

بحران عمومی سرمایه داری و سیاست های امپریالیستی

دنیای سرمایه داری به مرحله نونی از بحران عمومی خود پانهداست ، که نامراحل قبلی آن تفاوت کیفی دارد . عوامل راینده این بحران در دهه گذشته صورت تعرض انقلاب جهانی برضد انقلاب جهانی در هر سه حبه اصلی مبارزه : دنیای سوسیالیسم برضد دنیای امپریالیسم ، جنبش کارگری در کشورهای رشد یافته سرمایه داری و انقلاب های آزادبخش ملی علیه سلطه نواستعماری شکل گرفت . دهه گذشته برابرتین ادوار پیروزی انقلاب جهانی برضد انقلاب جهانی بود . دنیای سوسیالیسم با استفاده از سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز گام های بزرگی در جهت پیشرفت مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی برداشت . تناسب نیروهای اقتصادی بین دنیای سوسیالیسم و دنیای سرمایه داری به نحوی بنیادی به سود دنیای سوسیالیسم تغییر یافت . تولید صنعتی دنیای سوسیالیسم ، که در پایان جنگ دوم جهانی تنها چند درصد دنیای سرمایه داری بود ، در حال حاضر از ۴۰ درصد گذشته است . جنبش کارگری در مراکز اصلی دنیای سرمایه داری به نحوی چشمگیر توسعه یافت . تعرض انحصارات ، در برخی از کشورها ، مانند فرانسه و یونان و غیره ، منجر به سقوط حکومت های سی ساله احزاب بورژوازی گردید . جنبش ضد جنگ ، که یکی از مهمترین صحنه های مبارزه با سیاست انحصارات بزرگ و مجتمع های صنعتی نظامی است ، در سراسر اروپا و آمریکا گسترش بیسابقه ای یافته است . جنبش های آزادی بخش ملی ضربات سهمگین خود را بر پیکر استعمار نو در بخش بزرگی از آفریقا و همچنین در آسیا و آمریکا لاتین وارد ساختند . بدنبال پیروزی خلق ویتنام بر امپریالیسم آمریکا ، پس از یک مبارزه طولانی سی ساله نیروهای انقلابی در لائوس و کامبوج پیروزی یافتند . در آفریقا و آسیا و آمریکا لاتین در آنگولا ، اتیوپی ، افغانستان و ایران و نیکاراگوئه انقلاب های ضد امپریالیستی و مردمی روی داد و دایره نفوذ سرمایه داری جهانی راتنگ تر و تنگ تر نمود .

در اواسط سالهای دهه گذشته مبارزه بین کشورهای نواستقلال (کشورهای مستعمره و وابسته سابق) با کشورهای امپریالیستی استعمارگر از صحنه سیاسی به صحنه اقتصاد منتقل شد . کشورهای نواستقلال خواهان تحول بنیادی در روابط اقتصادی جهان سرمایه داری شدند . هسته این خواست را برقراری مناسبات برابر در روابط اقتصادی بین المللی و اعمال حق حاکمیت کشور های نواستقلال بر منابع طبیعی خودشان تشکیل میداد . پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی از این خواست کشورهای نواستقلال و برقراری مناسبات برابر با آنان ، بر تاثیر این مبارزه تا حدود زیادی افزوده است . اکنون کشورهای امپریالیستی دیگر آزادی عمل سابق خود را در غارت کشورهای نواستقلال ، از طریق مبادلات نابرابر و تحمیل امتیازات یک جانبه و غیره از دست داده اند .

بحران عمومی سرمایه داری در دهه گذشته همچنین از طریق تشدید تضاد های داخلی دنیای امپریالیسم عمیق تر گشت . در دهه گذشته جهان سرمایه داری با سه بحران کاهش تولید روبرو شد . بحران اقتصادی جهانی سرمایه داری در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۵ در چهل سال اخیر بزرگترین بحران بود . بحران های اقتصادی نه تنها بصورت بحران های ادواری بلکه همچنین بصورت بحران های ساختاری در بخش های مهم اقتصاد کشورهای رشد یافته سرمایه داری نمایان گشت . تولید در بخش های عمده صنعتی از قبیل ذوب آهن ، اتومبیل سازی و غیره کاهش یافت . بحران آموزش و مواد اولیه خود را در بسیاری از رشته های صنعتی بجای گذاشت . آهنگ رشد تولید اجتماعی و بازده کار در کشورهای رشد یافته سرمایه داری بویژه در آمریکا و انگلستان شدت تنزل نمود . تورم مقیاسی سابقه ای بخود گرفت .

سرمایه داری انحصاری - دولتی عدم توانائی خود را در حل معضلاتی که جهان کنونی با آن روبرو است ، نشان داد . در دهه گذشته تضاد بین دولت های امپریالیستی پایه مرحله بالاتری گذاشت . در سر آغاز سالهای دهه گذشته روند پیدایش سه قطب سرمایه داری جهانی : آمریکا ، اروپای غربی و ژاپن ، که از سالها قبل شروع شده

تفسیر وقایع مهم جهان

تصمیم دولت ریگان درباره تولید بمب نوترونی تاجنبش عظیم ضد جنگ ، همه جا عنصری از عناصر این مبارزه جهانی را می توان یافت .

صلح یا جنگ

در همان حال که دنیای امپریالیسم به سرگردگی شیطان بزرگ آمریکا راه برون رفت خود را از بحران عمیق کنونی در سیاست مسابقه تسلیحاتی و دامن زدن برهیستری جنگ جستجو میکند ، خلق های جهان ، از اقصی نقاط آسیا گرفته تا قلب اروپا فریاد میزنند . جنگ هستم ای نه!

طی چند هفته اخیر جنبش صلح در جهان چنان اوج گرفته است که در تاریخ سابقه ندارد . اروپا ، سرزمینی که دیوار دراتر سیاست های ماجراجویانه هارتین جناح امپریالیسم به خاک و خون کشیده شده است ، چون دریای مواجی به حرکت درآمده است . در فنلاند ، آلمان غربی ، انگلستان ، فرانسه ، ایتالیا ، یونان ، اسپانیا و غیره هر روز درجائی ده ها هزار نفر از قشرهای مختلف اهالی به خیابان های آیند و برضد سیاست جنگجویانه ریگان و هم پیمانان اروپائیش اعتراض میکنند .

هفته پیش ، که به ابتکار " شورای جهانی صلح " هفته مبارزه بخاطر صلح اعلام شده بود ، میلیونها نفر در سراسر اروپا در تظاهرات خیابانی شرکت نمودند . در انگلستان ۲۵۰ هزار نفر ، در بروکسل ۲۰۰ هزار نفر ، در رم در حدود ۱۵۰ هزار نفر ، در فنلاند دهها هزار نفر ، در سایر کشورهای اروپا نیز هزاران نفر به خیابان ها آمدند ، تا سیاست جنگ طلبانه امپریالیست های آمریکائی را محکوم کنند . از خصوصیات مبارزه کنونی در راه صلح شرکت تمام اقشار گروه های اجتماعی ، بویژه روحانیون در این جنبش است . دانشمندان بزرگ ، رجال و شخصیت های سیاسی و اجتماعی و هنری در پیشاپیش صفوف مردم گام بر میدارند .

واکنش مقامات مسئول آمریکائی در برابر این جنبش عظیم دهها میلیونی و اظهارات هیگ ، که جنبش صلح بیانگر نظر اقلیت مردم است ، نه اکثریت آنان ، و آنچه صلح را میتواند

بود شکل نهائی بخود گرفت . انحصارات ژاپن و اروپای غربی طی سالهای اخیر نیرومندتر و به همین تناسب قدرت رقابت آنان با انحصارات آمریکائی بیشتر شد . در حال حاضر سهیم ایالات متحده آمریکا در صادرات کشورهای سرمایه داری به ۱۲ درصد تنزل کرده و به مراتب کمتر از اروپای غربی است . اگر از صنایع نفت ، که در آن انحصارات آمریکائی هنوز تسلط دارند ، صرف نظر کنیم ، از ۳۰ شرکت عظیم انحصاری جهان ، تنها ۸ شرکت آن آمریکائی است . انحصارات بزرگ ژاپن و اروپای غربی حتی در بازار داخلی آمریکا رقبای آمریکائی خود را از میدان بدر میکنند . سرمایه گذاری های خارجی در خود آمریکا بسرعت افزایش می یابد . تعداد شعب شرکت های خارجی در خاک آمریکا طی ده سال گذشته چند برابر شده است .

در حال حاضر عملا هیچ مسئله بزرگ اقتصادی وجود ندارد که سه قطب سرمایه داری جهانی در آن اختلاف عمیق نداشته باشند . در دهه گذشته تضادهای اجتماعی - طبقاتی جهان سرمایه داری عمیق تر نمایان گشت . بیکاری و تورم شکل یک بیماری مزمن بخود گرفته است . سطح زندگی طبقه کارگر تنزل فاحش کرد .

در اروپای غربی این تنزل بصورت نسبی ، لیکن در آمریکا حتی بشکل مطلق ادامه یافت . از سال ۱۹۷۳ تا سال ۱۹۸۰ ، طبق آمار رسمی ، دستمزد واقعی کارگران آمریکا بین ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یافته است . زحمتکشان در دنیای سرمایه داری در راه حفظ حقوق و دفاع از هستی و زندگی خود ، مبارزه وسیعی برخاسته اند . شماره اعتصاب کنندگان در کشورهای عمده سرمایه داری طی دهه گذشته از ۱۰۰ میلیون نفر و بموجب ارقام دولتی ، از ۲۵۰ میلیون نفر گذشته است . کوشش دولت های امپریالیستی برای کاستن از نیروی مبارزه طبقه کارگر از طریق اصلاحات اجتماعی ، بدلیل وضع دشوار اقتصادی ، با شکست روبرو شد .

انحصارات بزرگ سرمایه داری و به ویژه مجتمع صنعتی - نظامی و نیروهای ارتجاعی که در پشت سر آنان صف کشیده اند ، راه حل دشواری های نظام سرمایه داری را در تعرض متقابل به نیروهای انقلابی جهان جستجو

کند . وزیر امور خارجه و وزیر دفاع آمریکا کوشیدند موج التهاب و نگرانی را ، که در اروپا پس از نطق ریگان بوجود آمده بود ، خاموش کنند . اما افشاگری انجمن پزشکان آمریکائی که در آن چند هزار پزشک برجسته آمریکا شرکت دارند تمام تلاش های آنان را بر باد داد . انجمن ، پزشکان آمریکائی فاش کرد که معاون وزارت دفاع آمریکا در امور بهداشتی به بیمارستان های غیر نظامی آمریکا سفارش کرده است که برای پذیرفتن ۵۰ هزار زخمی علاوه تدارک ببینند . در نامه معاون وزارت دفاع گفته میشود که این پیش بینی برای آن است که در یک جنگ محدود اتمی یا شیمیائی ممکن است تعداد زیادتری مجروح شده و آسیب ببینند .

دولت های امپریالیستی ، که با این جنبش عظیم ضد جنگ روبرو هستند ، مجبورند برای فریب افکار عمومی به مانور های مختلف دست بزنند و چنین وانمود کنند که طرفدار مذاکره و همزیستی با دنیای سوسیالیسم هستند . موافقت آنان با تشکیل مجدد کنفرانس امنیت و همکاری اروپا ، که در آن نمایندگان تمام کشورهای اروپا شرکت دارند ، در چارچوب این سیاست دوگانه انجام گرفته است .

دکترین جنگ محدود هسته ای هر چند در اروپا جنجال برانگیز است ، محتس به اروپا نیست و جنبه جهانی دارد . چندی پیش مقامات آمریکائی علنا اعلام کردند که خاورمیانه و خلیج فارس نیز نمی تواند صحنه یک جنگ محدود هسته ای قرار گیرد .

تعرض امپریالیسم

بر جنبش های آزادی بخش ملی در منطقه خاورمیانه و نزدیک

اقداماتی که وسیله امپریالیسم به سرکردگی آمریکا در این منطقه انجام می گیرد ، در عین حال که وحشت و هراس محافل حاکم جهان سرمایه داری را از اوج گیری جنبش های آزادی بخش ملی ثابت میکند ، نشان میدهد که انحصارات امپریالیستی به ویژه انحصارات نیرومند نفتی ، میخواهند مناسبات نابرابر اقتصادی و غارت منابع طبیعی کشورهای این منطقه را با زور نظامی ، حتی بوسیله یک جنگ محدود هسته ای حفظ کنند . تدارکات نظامی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در منطقه هر روز دامنه وسیعتری به خود می گیرد .



تصمیم اخیر سنای آمریکا دایر بر اجازه فروش هواپیما های واکس به عربستان سعودی ، پس از یک جنگ ممتد زنگی ، یک گام خطرناک دیگر در جهت تقویت حبه ضد انقلاب منطقه در برابر جنبه انقلاب است .

میهن انقلابی مانخستین هدف این سیاست ماجراجویانه امپریالیسم آمریکا است . واضح است که آواکس هایی که در این منطقه مستقر میشوند ، نه برضد عراق و پاکستان و کویت و شیخ نشین های خلیج فارس به پرواز درمی آیند و نه قادرند از خاک عربستان سعودی اراضی شوری راز بر نظر بگیرند . هدف بقیه در صفحه ۱۰

تأمین کند یک قدرت باز دارنده است نه راه پیمائی و ایالات متحده آمریکا علیرغم این تظاهرات برنامه های نظامی خود را دنبال خواهد کرد ، موجی از نفرت در سراسر اروپا برانگیخت . جنبش ضد جنگ به ویژه در ارتباط با اظهارات ریگان ، که ممکن است در اروپا یک جنگ محدود اتمی ، بدون تبدیل شدن آن به جنگ جهانی هسته ای روی دهد گسترش بیشتری یافته است . سخنان ریگان همزمان با طرح استقرار موشک های میان برد در اروپا و تولید بمب نوترونی نشان داد که امپریالیست های آمریکائی حقیقتا آماده اند خلق های اروپا را در راه سیاست ماجراجویانه خویش قربانی

می کنند . سیاست رویارویی با دنیای سوسیالیسم سیاست سرکوب جنبش های آزادی بخش ملی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در داخل کشور ، بر این پایه ریزی شده است . در کحوادثی که در جهان میگذرد ، از دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی تا توطئه های ضد انقلابی در کشورهای "جهان سوم" ، از برنامه های اقتصادی ریگان تا طرح ترور قذافی ، تنها بر زمینه این مبارزه جهانی بین انقلاب و ضد انقلاب امکان پذیر است . به هر کجای جهان نظر افکنیم ، از مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرفته تا کنفرانس شمال و جنوب ، از جلسات اوپک گرفته تا فروش واکس به عربستان سعودی ، از

خط امام و مخالفان آن در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

نظر امام خمینی

آنهائی که آمریکائی نبودند، حمایت کردند (از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا) و آنها که آمریکائی بودند حمایت نکردند «امام خمینی»

مقدمه

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران، از آن پیچهای بزرگ تاریخ معاصر ایران بود که ماهیت بسیاری از نیروها را روشن کرد و پرتو تازه‌ای بر سیمای دوستان و دشمنان ایران افکند. لیبرالها و بنی صدرها همان آغاز با "گروگان گیری" جاسوسهای آمریکا و افتای اسناد لانه جاسوسی به مخالفت پرداختند. فقط بعد از روشن شد که آنچه آن‌ها از آن هراس داشتند، افتای اسناد مربوط به روابط خودشان با آمریکا بود. رهبری خائن مجاهدین نیز، که ابتدا از تسخیر لانه جاسوسی پشتیبانی کرد، چندان زول نکشید که با یک چرخش ۱۸۰ درجه در کنار لیبرال‌هایان بنی صدر و جیب‌توها قرار گرفت. گسترش و تعمیق مبارزه چندان شدت داشت که در اولین سالگرد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، در صحنه سیاست ایران دو صف کاملاً متمایز بوجود آمده بود: پشتیبانان

"حالا که توطئه برای ملت مانايت شده است و عمل جوانان ما را تمام ملت وقشراي آن، الابعضی منحرفين، در اینجا و در سایر ممالک دیگر، از آن پشتیبانی کردند و این خواست تمام ملت ما بوده است، نه خواستی که از روی هواي نفسانی باشد." (از پیام امام خمینی - ۱۵ اسفند ۵۸)

"آمریکا پایگاه نظامی درست کرده، پایگاه همه‌جی و پایگاه جاسوسی هم درست کرده که این مرکز است. جوانان ما رفتند، کشف کردند که مرکز جاسوسی است و افراد جاسوس است و افراد جاسوس و یک موجودی که، انسانی که، یک آدمی که دیلمات باشد و عرض می‌کنم که از اعضای سفارتخانه، به این که سفارت بار، معلوم نیست، در اینجا باشد. سالیان بر این، همه ملت ما به دنبال اینها بودند. دولت هم نمی‌توانست خلاف بکند. دولت اینجا ملت است. همه چیز دست ملت است. دولت هم

نظر لیبرال‌ها

درباره دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و «گروگان گیری»، جاسوسان

که همه اشکالات مملکت ما راباعت شده... (یداله سبحانی، جلسه علنی مجلس ۸ مهر ۵۹) "گروگانگیری وسیله‌ای برای بعضی تسویه حساب‌های گروهی شد و عمل کردن نشان می‌دهد که مع‌الاف کار خودشان را با حب و بغض‌های گروهی انجام داده‌اند و گروه‌های خاصی بهره‌برداریهایی مخصوصی از این کار کردند." "از لحاظ اقتصادی گروگانگیری به ما میلیاردها دلار لطمه زده است." "شیوه افشاکاری دانشجویان نتایج منفی در داخل کشور داشته، چون اعتمادی که بین مردم نسبت به عناصر انقلابی و کسانی که برای جنبش زحمت کشیده‌اند، وجود داشته، متزلزل کرد... اینها مسائلی را بوجود آورد و این تخلف از شیوه اسلامی است." "از لحاظ اقتصادی ضررهایی که ما کشیده‌ایم، خیلی بیشتر از منافعی است که داشته‌ایم. در سطح بین‌المللی هم

"آن مرکز فساد آمریکا را جوانان ما رفتند گرفتند. آمریکا تبهایی راهم که در آنجا بودند گرفتند و این لانه فساد را بدست آوردند و آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند." (از سخنان امام خمینی - اطلاعات ۵۹/۸/۱۷)

"این (فتح لانه جاسوسی) یک جنبه سیاسی داشت و یک ارزش سیاسی داشت که همه ارزش‌ها پیش او کوچکند. اینهایی که خیالی می‌کنند که به واسطه اعمال اینها در تنگنا واقع شدیم، اشتباه می‌کنند... این جوان‌های عزیز ما رفتند و البته رنج کشیدند و زحمت کشیدند... و آنجا را گرفتند." (از سخنان امام خمینی در دیدار با دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - ۵۹/۸/۱۳)

"همان‌طور که اراها گفته‌ام، ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می‌باشیم و دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، با عمل انقلابی خودشان ضربه‌ای بزرگ بر پیکر آمریکای جهان - خوار وارد نمودند و ملت را سرفراز کردند" (از پیام امام خمینی - ۱۵ اسفند ۵۸)

"مسالده‌ای که این روزها مطرح شده است، قضیه آمریکا و گروگان‌های جاسوس آمریکایی است، که در دست دانشجویان مسلمان و مبارزان است." (از پیام امام خمینی - ۲۰ اسفند ۵۸) "خداوند شما جوانان ما را که متعهد به اسلام و در خدمت اسلام هستید، حفظ کند و به شما توفیق هر چه بیشتر برای رسیدن به هدفهای اسلامی بدهد." (سخنان امام خمینی خطاب به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام - ۲۳ دی ۵۹)

جلسه علنی مجلس، ۲۸ شهریور ۵۹) "من برای آن آقایانی که آنجا هستند، اصالت و اهمیتی قائل نیستم. بنابراین تسلیم این بازیها هم نخواهم شد و جواب همه آن‌ها راهم جوادم داد. مساله هم قبلا به اطلاع امام رسیده بود و دانشجویان هم در این مورد دروغ گفته‌اند." (قطب زاده، اطلاعات، ۱۹ اسفند ۵۸) "بسیتر این افشاکریها بدون نظارت و دخالت مرجعی صلاحیتدار و قانونی بوده و غالباً مبتدل بوده است و هیچگونه سندیتی ندارد و معلوم نیست که برای خارج کردن افراد صلاحیتدار از گردونه فعالیت سیاسی بوده است... کار آنها بسود انقلاب نبوده است و حرکات اخیر آنها انحراف از خط امام بوده و کاری به سود مبارزه علیه آمریکا انجام نداده‌اند." (قطب زاده، اطلاعات، ۲۰ اسفند ۵۸) "مساله گروگانها مساله‌ای شده

"عمل این آقایان بسیار عمل ضد اسلام و ضد قانون است که یکطرفه بیابند و چیزهایی را به قول خودشان افشاکند و تهمت‌های ناروایی بزنند. این عمل بسیار عمل زشت و خلافی است که این دانشجویان انجام می‌دهند و همه با این عمل آن‌ها مخالف هستند و عمل آن‌ها ضد انقلاب، اسلام و امام و ضد همه چیز است. من به طور خلاصه می‌خواهم بگویم که افشاکریهای قبلی و حال و آینده دانشجویان منطاری از آن‌ها دروغ است و دروغ گفتن هم خیلی آسان است. حالا اختیار مملکت افتاده است به دست چند تاپچه و این جای بسیار تاسف است. ضربه ولطمه کار غلط دانشجویان متوجه انقلاب و امام خواهد شد." (مهندس بازرگان - کیهان ۱۷ بهمن ۵۸) "آقای بازرگان رفتند در مسجد نارمک، گفتند: "اینها دانشجویان خط امام نیستند، خط شیطانند." (از گفته حاجت‌الاسلام خلخالی در

دروغ‌پر و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

هرگز تسلیم نشدند. جوانان برومندی که وظیفه انقلابی خود را تا پایان انجام دادند و بعد از آزاد شدن "گروگان‌های جاسوس، بی‌درنگ به جبهه‌های جنگ رفتند و برخی‌شان جان خود را نثار انقلاب کردند." مردم قهرمان ما بی‌گمان خاطره عزیز این جوانان را از یاد نخواهند برد و تاریخ معاصر ایران بی‌تردید نام آن‌ها را در قلمه مبارزان ضد امپریالیستی وطن ما نقش خواهد کرد." ما به سهم خود، در دومین سالگشت تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به این جوانان مبارز درود می‌فرستیم.

سالگشت تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، یادآور حماسه آفرینان ناشناسی است که مردم قهرمان ما آن‌ها را به نام "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" می‌شناسند. دانش‌جویانی که مانند همه قهرمانان راستین خلق، در اوج گمنامی به سنگر اصلی توطئه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، در میهن ما یورش بردند و با آن که آوازه این عمل جهان را درنوردید، خود تا پایان گمنام ماندند." سالگشت تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، یادآور جوانان عزیز است که "انقلاب دوم" را در ایران سبب شدند و زیر بار دشمن‌ها و تهمت‌ها

بنی صدر و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

"با گرفتن گروگان‌ها، گروگان آمریکا شدیم... (انقلاب اسلامی - ۱۵ آبان ۱۳۵۹) - "من از ابتدا با گروگان گرفتن مخالف بودم... (اطلاعات - ۲۷ بهمن ۱۳۵۸) - "برماست که شجاع باشیم، صریح باشیم، انقلابی باشیم و بگویم که این گونه لجن مال کردن‌ها، اینگونه مسئله‌در رادیو و تلویزیون خواندن‌ها و افشاکری‌ها، و بلافاصله به خانه‌های ریختن‌ها، نه با اسلام نمی‌خورند، زمینه را برای استرداد فراهم می‌آورند... (کتاب صدمتاد - ۴ بهمن ۱۳۵۸) - "دانشجویان خودکامه عمل می‌کنند و حکومت در حکومت بوجود آورده‌اند... وقتی مملکت امنیت فضائی نداشته باشد، باهرج و مرج روبرو خواهد شد. اینها (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام) حتی احترام شورای انقلاب را نکه نداشتند، که بگویند چنین گزارشی هست... (کیهان - ۱۷ بهمن ۱۳۵۸) - "جریانی که مساله گروگانگیری بخود گرفت، همان جریان رشد افکار تجاوزگرانه است" (انقلاب اسلامی - ۱۲ فروردین ۱۳۵۹)

"با گرفتن گروگان‌ها، گروگان آمریکا شدیم... (انقلاب اسلامی - ۱۵ آبان ۱۳۵۹) - "من از ابتدا با گروگان گرفتن مخالف بودم... (اطلاعات - ۲۷ بهمن ۱۳۵۸) - "برماست که شجاع باشیم، صریح باشیم، انقلابی باشیم و بگویم که این گونه لجن مال کردن‌ها، اینگونه مسئله‌در رادیو و تلویزیون خواندن‌ها و افشاکری‌ها، و بلافاصله به خانه‌های ریختن‌ها، نه با اسلام نمی‌خورند، زمینه را برای استرداد فراهم می‌آورند... (کتاب صدمتاد - ۴ بهمن ۱۳۵۸) - "دانشجویان خودکامه عمل می‌کنند و حکومت در حکومت بوجود آورده‌اند... وقتی مملکت امنیت فضائی نداشته باشد، باهرج و مرج روبرو خواهد شد. اینها (دانشجویان مسلمان پیرو خط امام) حتی احترام شورای انقلاب را نکه نداشتند، که بگویند چنین گزارشی هست... (کیهان - ۱۷ بهمن ۱۳۵۸) - "جریانی که مساله گروگانگیری بخود گرفت، همان جریان رشد افکار تجاوزگرانه است" (انقلاب اسلامی - ۱۲ فروردین ۱۳۵۹)



برژینسکی به نتیجه نرسید، اما آمریکایک چهره ندارد

نقشه ملاقات لیبرالها با برژینسکی، در پس پرده های دیپلماسی لیبرالی چگونه کشیده شد؟

برژینسکی بوده است، دو پا را در یک کفش کرده و می گفت: "در ملاقات با امام (قبل از سفر الجزایر) ملاقات با فرد فرد اشخاص مطرح نشد، زیرا مشخص نبود که دقیقا چه اشخاصی به الجزایر خواهند آمد..." (۱۵ آبان ۵۸ - کیهان)

یعنی وزیر خارجه دولت لیبرالها حرف رئیس دولت لیبرالها را تکذیب می کرد! رئیس دولت لیبرالها، نیز ظاهرا به تلافی، قسمت دیگری از حرف وزیر خارجه اش را رد کرد:

"... من به دکتر یزدی تاکید کردم که از حضور امام بپرسند که روابط با آمریکا باید بر چه محوری باشد و ایشان چه فرمایشی دارند، به هیچ وجه ایشان (امام) نگفتند که با برژینسکی ملاقات نکن..." (۱۷ آبان ۵۸ - اطلاعات)

در صراحت و روشنی این مذاکره هیچ شکی نیست. هر چه باشد طرفین مذاکره مدت ها وقت داشتند، تا درباره آنچه می خواهند بر سر آن معامله کنند، ببینند. تنها چیزی که هست، این مذاکرات صریح تر و روشن تر از آن بود که لازم باشد مردم انقلابی ایران و رهبر سازش ناپذیرش امام خمینی، از مضمون آن آگاه گردند!

آقایان لیبرال سبیل برای لوپ کردن قضیه، کوشیدند ملاقات را کم اهمیت و تصادفی جلوه دهند، لذا: "..."

بازرگان گفت ترتیب این ملاقات دو روز قبل از عزیمت من به الجزایر داده شده بود. کاردار سفارت آمریکا در تهران به من اطلاع داد برژینسکی مایل است

و به مدت یک ساعت درباره مسائل مربوط به روابط دو کشور گفتگو کردند... (۱۴ مهرماه ۵۸ - اطلاعات)

البته مضمون این گفتگو نیز هنوز افشا نشده است، ولی بر اساس قرار قبلی میشود حدس زد که قرار ملاقات با برژینسکی در همانجا گذاشته شده است.

در ملاقات محرمانه

با برژینسکی چه گذشت؟

به این ترتیب مقدمه ملاقات الجزایر چیده شد، و مهندس بازرگان روز ۹ آبان ۵۸ به همراه دکتر یزدی - "مردی از دنیای پیشرفته" - عازم الجزایر شد.

سرانجام برخی از گردانندگان

و برگزیدگان دولت موقت لیبرالها

۲۱ اعدامی، جاسوس، فراری و توطئه گرزدا انقلاب

- ۹- سپهبد سعید مهدیون: در زمان دولت موقت، مدتی فرمانده نیروی هوایی بود. (او از سران کودتای نوزدهم بود و اعدام انقلابی شد)
- ۱۰- سرلشکر بهمن یاقری: در زمان دولت موقت، مدتی فرمانده نیروی هوایی بود. (او به اتهام شرکت در کودتای نوزدهم تجاوز طمس، زندانی شد و در انتظار محاکمه است.)
- ۱۱- سپهبد محقق: در زمان دولت موقت، مدتی رئیس شهربانی بود. (او به اتهام شرکت در کودتای نوزدهم اعدام انقلابی شد)
- ۱۲- دریا دارعلوی: در زمان دولت موقت، مدتی فرمانده نیروی دریایی بود. (او به اتهام جاسوسی برای آمریکا به ۸ سال زندان محکوم شد)
- ۱۳- محمدعلی مولوی: رئیس کل بانک مرکزی (از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۱۴- جلیل شرکا: رئیس بانک ملی (از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۱۵- حسن نزیه: رئیس شرکت ملی نفت (از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۱۶- مقدم سراغهای: استاندار آذربایجان (بعد از کشف اسنادش در لانه جاسوسی، از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۱۷- مهدی مکن: معاون وزارت ارشاد و سپس رئیس روابط عمومی و مشاور مطبوعاتی بنی صدر تا لحظه فرار وی.
- ۱۸- دکتر منصور فرهنگ: نماینده دولت موقت در سازمان ملل متحد، مشاور بنی صدر (پس از توطئه، باند بنی صدر، از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۱۹- ناصر تکمیل همایون: رئیس بخش فرهنگی وزارت آموزش و پرورش، بعد از مشاور بنی صدر به اتهام شرکت در توطئه ۳۰ خرداد ع. زندانی است)
- ۲۰- عبدالحسین نیک خلق: معاون وزارت بازرگانی (بعنوان عامل ساواک دستگیر و محاکمه شد)
- ۲۱- محمد توسلی: شهردار تهران (به اسناد لانه جاسوسی شماره ۱۰ مراجعه کنید)

دولت لیبرالی مهندس مهدی بازرگان، که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، به دنبال ملاقات با برژینسکی سقوط کرد، دارای ترکیب معینی بود. این ترکیب بر بنیاد این نظر مهندس بازرگان بوجود آمده بود:

"ما اول فکرمی کردیم اگر از نخست وزیرها و وزرای رژیم استبدادی گذشته و معاونین وزارتخانه ها صرف نظر کنیم و فقط از استاندارها و مدیرکل های در دستگاه دولت استفاده کنیم، دیگر کسی اعتراض نمی کند."

(روزنامه ها - فروردین ۱۳۵۸)

در زیر سرانجام برخی از گردانندگان و برگزیدگان دولت موقت لیبرالها به اطلاع خوانندگان گرامی می رسد:

- ۱- عباس امیر انتظام: معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت (به جرم جاسوسی برای آمریکا به حبس ابد محکوم شد)
- ۲- کریم سنجابی: وزیر امور خارجه (رهبر جبهه ملی، از سازماندهندگان توطئه ۲۵ خرداد ۶۰)
- ۳- احمد سلامیان: معاون وزارت امور خارجه (بعد از سقوط بنی صدر از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۴- احمد مدنی: وزیر دفاع ملی، فرمانده نیروی دریایی، استاندار خوزستان (بعد از کشف اسناد ارتباطش با آمریکا در لانه جاسوسی، از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۵- ناصر میناجی: وزیر ارشاد (به اسناد لانه جاسوسی، شماره ۱ تا ۶، مراجعه کنید)
- ۶- صادق قطب زاده: لازم به معرفی نیست. ("مهندس بازرگان، صادق قطب زاده را به سمت سرپرست رادیو و تلویزیون ملی ایران منصوب کرد...") (اطلاعات، ۲۳ بهمن ۵۷)
- ۷- علی محمد ایزدی: وزیر کشاورزی (فتو داد معروف - بعد از کشف اسنادش در لانه جاسوسی، به خارج گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)
- ۸- سرلشکر ریاحی: وزیر دفاع ملی (از ایران گریخت و به جبهه ضدانقلاب پیوست)

نخست وزیر دولت موقت ۳ روز بعد، هم زمان با برگزاری یکی از بزرگترین راه پیمائی های ضد امپریالیستی مردم ایران، "... یک ملاقات بدون حضور خبرنگاران و عکاسان با برژینسکی، مشاور ریاست جمهوری ایالات متحده در امور امنیت آمریکا، در الجزایر انجام داد، که یک ساعت و نیم به طول انجامید. مهندس بازرگان در پایان این ملاقات در گفتگوی کوتاهی اعلام کرد مذاکره با برژینسکی صریح و روشن بود..." (۱۲ آبان ۵۸ - اطلاعات)

۱۳ آبان، سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، یادآور سقوط سیاسی دولت سرمایه داری لیبرال ایران است. به زبان دیگر، این روز مصادف است با آغاز سقوط سیاسی جریانی در متن حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که هدف آن مسخ و در نهایت شکست انقلاب شکوهمند مردم مابود و هست.

درست در چنین روزی، در حالی که هنوز گلوله های آمریکائی در ترنر نچیده بسیاری از جانبازان راه انقلاب بود، و پوکه های آمریکایی، اینجا و آنجا، در میدان شهدا و کشور شهیدان راه استقلال و آزادی میهن، پراکنده بود، مهندس مهدی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت، ملاقات از پیش تنظیم شده خود را با برژینسکی، مشاور امنیتی کارتر، رئیس جمهور سابق آمریکا ارزیابی می کرد، ملاقاتی که نتیجه تمام - نمای حاکمیت سرمایه داری لیبرال در ایران بود، حاکمیتی که به همت خلق قهرمان ایران ادامه نیافت.

لیبرال های ایران کوشیدند این ملاقات را، که هنوز پس از گذشت دو سال، بیرون کل مذاکرات آن منتشر نشده است، تصادفی، غیرمنتظره، کم اهمیت و طبیعی جلوه دهند. اما این کوششی عبث بود، زیرا امروز مجموعه مدارک و اسناد، اولاً از تصادفی نبودن این دیدار و ثانیاً از ادامه منطقی خط لیبرالها، که همانا پیوند با آمریکای جهانخوار است، حکایت می کند.

امروز دیگر همه چیز بیانگر آن است که دولت موقت لیبرالها تدارک این ملاقات را از قبل دیده بود و لیبرال های ایرانی می دانستند که در الجزایر به دیدن چه کسی می روند. در حقیقت مقدمات این ملاقات در زمانی چیده شده بود که آمریکایی ها اطمنان یافتند که:

"... بهترین راه تامین منافع ما (آمریکا) از طریق همکاری با دولت موقت مهدی بازرگان در جهت برقراری مجدد روابط دو جانبه بین ایران و آمریکا خواهد بود..." (از کتاب اسناد لانه جاسوسی آمریکا - شماره ۱ تا ۶ - ص ۴۸۰، از نامه سفارت آمریکا در تهران به وزیر امور خارجه آمریکا)

برای برقراری این رابطه مجدده، زمینه آن را امر انتظام چیده بود، نیاز به ملاقات در "سطح بالا" بود. به همین خاطر دولت آمریکا از فرصت برگزاری کنفرانس الجزایر استفاده کرد و "... کاردار ایران در الجزایر..." (همان منبع) به آمریکایی ها اطلاع داد که: "با تهران تماس خواهد گرفت، تا امکان تمایل بازرگان با یکی از هیئت دولت ایران را برای ملاقات با دکتر برژینسکی یا مقامات دیگر آمریکایی، که از الجزایر دیدن می کنند، سؤال کنند..." (همان منبع - ص ۱۹۸)

و بدینال این سؤال، کاردار سفارت آمریکا در تهران به روسای خود اعلام کرد: "بهترین وسیله برای جستجوی راه مذاکره با دولت ایران این است که سائروس ونس موضوع را با یزدی، زمانی که او را در سوم اکتبر می بیند، در میان بگذارد..." (منبع بالا - ص ۹۸)

و روز ۳ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۱ مهر ۵۸)، یعنی بیش از یک ماه قبل از ملاقات مهندس بازرگان با برژینسکی، "تصادفا" دکتر یزدی، وزیر خارجه دولت موقت لیبرالها، که به اعتقاد مسئولین سفارت آمریکا در تهران "... مردی از دنیای پیشرفته..." (همان منبع - ص ۴۷۸) محسوب میشد و قرار بود "... بهتر از بقیه مشاوران امام به بازرگان برادری کند..." (همان جا) "... به سازمان ملل رفت..." (اول مهرماه ۵۸ - اطلاعات) و "... بنا به تقاضای آقای ونس، وزیر امور خارجه ایران و آمریکا در مقر سازمان ملل متحد ملاقات

تألف نمی کرد. این یک ساله، است که ملت ما همشون با هم فکند در این که این لانه باید از بی برود و نادیدگر اجازه نمی دهیم مرکز ما، در محل ما، یک مرکز سوسی برای جاهای دیگر بشود. اجازه را نخواهیم داد، ملت هم خواهد داد."

برسخان امام خمینی در محاسبه یا سخن خیکل - ۲۰ آذر ۵۸)

"امروز ملت ما و جوان های ما که از لانه های نولانی تحت فشار و تحت مح بود، رفتند و چندنفری را که از لانه جاسوسی برضد ملت ما بودند، بلکه برضد منصف و قرائن و راهد برای امر زیاد است. بزرگترین شاهد این که تمام پرونده ها و پروهای که در آنجا بوده است، تا اینست بدل به بود می کردند که بگر نایل استفاده نیست."

برسخان امام خمینی در پاسخ به یزدی - ۱۹ آبان ۵۸)

مبنی زور است. وقتی می گوئیم در سطح بین المللی تاثیر گروگان ها چه بوده است، باید اثرات گروگان گیری در بین مردم آمریکا و اروپا و در بین دولت ها و همچنین اثرات گروگان گیری در جهان سوم و در بین مسلمانان دفاع انقلاب اسلامی بررسی کنیم."

دکتر یزدی، انقلاب اسلامی، ۱۵ آبان ۵۹)

"اکرمیرویی نده ایم، اگر ادعای مزب نوده صحت دارد که گروگان - گیری ایران رادر جهان متزوی نکرده است چرا حتی یک کشور تجاوز عراق به ایران را محکوم نکرد."

(میزان، ۵ مهر ۵۹)

کارتر بیان فریاد اعتراض به ملی از ناحیه ها شد. یعنی اصل بهم و واقعیت انکار ناپذیر رشد آن بدای اعتراض بود که می بایستی بازرگان جدیدی پیدا کند و می بایستی انقلاب اسلامی ما بیانگر آن می گشت مستضعفین همه جا و منحصرا آنجا را خود همراه و همدل و همسوی کرد می گروگان گیری پیش آمد... نتیجه بن روشن بود و هر دم روشن تر میشد بن صدای اعتراض در آمریکا، که با مخالفت با جنگ ویتنام و واترگیت و سرب، به فراز آمده بود، فروکشیدن رفت. با تکیه بر ملیت گرایی کور و پرور ملی کاذب، صاحبان صنایع نظامی و نفتی و غیر ذلک توانستند درباره همه امتیازات سابق از دست داده، خویش را پس بگیرند. روان - مناسی جامعه آمریکایی از انزوا طلبی جدا خلع نکردن در امور داخلی کشورها، به روانشناسی تهاجمی به روانشناسی ملی گستاخی و چیرمگری تبدیل شد. بنال فردی رفتند که به آنها نویسند روزی بر کسان را بدهد که از آنان اسیر گرفته بودند، دنبال اضافه کردن اختیارات سیا و مخارج سلیمان و افزایش جو فشار و اختناق در آمریکا رفتند."

سرمقاله انقلاب اسلامی، ۱۵/۸/۵۹)

دیوار بلند حاشای لیبرالها

و واقعیت این بود که آنها، هر دو، نادرست و ناراست می گفتند. آقای فردوس، نماینده مجلس شورای اسلامی، این ناراستی را چنین بر ملا کرد: "..."

آقایان موقت که این ملاقات انجام شد (با برژینسکی) در الجزایر، از تهران، من در دفتر بودم. تلفنی از ما خواستند که از امام سؤال کنیم اطلاعی از این ملاقات دارند یا نه؟ من کتبا نوشتم حضور امام، خط امام الان موجود است. نوشته اند که من از این ملاقات بی اطلاع هستم و قبلا در این زمینه من مذاکره نشده... (از مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز پنجشنبه ۲۷ شهریور ۵۹ - روزنامه ها)

یعنی قوه لیبرالها دروغ بود! هر چند آنها بعدها کوشیدند شکل دراماتیکی به قضیه بدهند:

"... درست است شفافیت یک چیز شدید که ما در الجزایر (ملاقات) انجام دادیم. آنهم ماملاقات نکردیم. آن (برژینسکی) عینا مثل شمر که سب عا شورافت به دیدن حضرت ابوالفضل، آمد به دیدن آقای بازرگان..." (سخنان دکتر یزدی در همان جلسه مجلس شورای اسلامی)

وای از این شعر آمریکایی! هر چند این شعر آمریکایی یا آن شعر فرق می کرد، این شعر امپریالیستی بود "صادق!"

"... نخست وزیر این مذاکرات را (با شمر برژینسکی) صادقانه تصدیق کرد..." (۱۲ آبان ۵۸ - اطلاعات)

و "دوست!": "..." (شمر)

برژینسکی مراتب پشتیبانی خود را از دولت ایران اعلام کرد. "... (۱۵ آبان ۵۸ - اطلاعات - از مصاحبه یزدی)

و "مذهبی!": "..." (شمر)

برژینسکی گفت این پشتیبانی (از دولت ایران) به جهت ماهیت مذهبی است، زیرا ما مسیحی و شما مسلمان هستید..." (همان جا)

و "خدا شناس!": "..." اولین مطلبی که آقای برژینسکی مطرح کرد این بود که ما هم بخدا معتقدیم، شما هم به خدا معتقدید..." (سخنان یزدی در جلسه فوق الذکر مجلس شورای اسلامی)

پس واضح است و میرهن است که با داشتن چنین شمر صادق و دوست و مذهبی و خدا شناسی، "... می توانیم با هم مثل دو ملت و دو دولت کار کنیم..." (همان جا)

چنین است اسلام آمریکایی!

بر این اساس عجیب نیست که مهندس بازرگان مذاکرات خویش را با برژینسکی، که بدون اطلاع رهبر انقلاب صورت گرفته بود، "صادقانه" توصیف می کرد و طبیعی می دانست که: "..." موضوع قرارداد های گذشته ایران با آمریکا و نیز حکومتی مناسبات و روابط دو کشور...

... (۱۲ آبان ۵۸ - اطلاعات) بین او و برژینسکی مطرح شود.

اتحاد شوروی

بقیة از صفحه ۱

سال انقلاب، لنین فصلی از کتاب تاریخی خود، "بیماری کودکی" چاپ روی در کمونیسم، را به توضیح این مهم اختصاص داد که: برای اهمیت بین المللی انقلاب روس چه مفهومی میتوان قائل شد؟ او در تبیین این مطلب نوشت:

"اکنون ما تجربه بین المللی پس قابل ملاحظه ای در دست داریم که با نهایت صراحت گواهی میدهد که برخی از مشخصات اصلی انقلاب ما دارای اهمیت محلی، یعنی اهمیت اختصاصاً ملی و صرفاً روسی نبوده بلکه اهمیت بین المللی دارد"

لنین در توضیح مطلب تاکید کرد که: "اهمیت بین المللی را باید در اینجا به مفهوم قدر و ارزش بین المللی یا ناکزیری تاریخی تکرار آن چیزی به مقیاس بین المللی درک نمود، که در کشور ما روی داده است... در لحظه تاریخی کنونی وضع چنانست که نمونه روسی به همه کشورها چیزی، و آن هم چیزی بسیار مهم، از آینده ناکزیری و نزدیکان نشان میدهد."

انقلاب اکتبر در کشوری پیروز شد، که از شرق آسیا، تا بخشی از اروپا، قریب صد قوم و خلق و ملت، با ساختارهای اجتماعی-اقتصادی گوناگون، از مناسبات قبیله ای و بقایای فئودالیسم، تا نظام سرمایه داری و مرحله نهائیش امپریالیسم، در آن زندگی میکردند. حزبی که لنین سازمان داده و در ۲۵ انقلاب مردمی و دموکراتیک (سالهای ۱۲۸۶-۱۲۸۴ و بهمن ۱۲۹۶) تجارب گرانبهای اندوخته بود، توانست مبارزه طبقاتی کارگران روسیه برای برانداختن نظام سرمایه داری، جنبش دموکراتیک روستائیان در راه اصلاحات ارضی بنیادی، نهضت رهایی بخش خلق های مستعمره و وابسته روسیه تزاری و حرکت همگانی توده های مردم علیه جنگ امپریالیستی را در یک سیل نیرومند اجتماعی متحد کند، زنجیر امپریالیسم را در نقطه ضعیفش بگسلد، انقلاب سوسیالیستی را به پیروزی رساند و بای-ویزی استوار نظام عدالت اجتماعی، سر فصل گذار بشریت به جامعه ای فارغ از استثمار و استکبار را آزاد از ظلم اجتماعی وستم ملی را بگشاید.

برانداختن تزاریسم و حکومت موقت بورژوازی در کشوری با آن ساختار مرکب و پیچیده اجتماعی اقتصادی و فرهنگی-عقیدتی، با همه پیوندهای نزدیکی که با امپریالیسم غدار جهانی داشت، به هیچ وجه کار آسانی نبود. راز بزرگ آن پیروزی عظیم جهانشمول در توفیق حزب لنین در ایجاد اتحاد همه نیروها و جریان های انقلابی درون کشور و جلب پشتیبانی گسترده و فعال زحمتکشان جهان از خارج بود. اندیشمندان های انقلابی اکتبر کبیر با ضربه در هم شکندن های که به امپریالیسم جهانی وارد ساخت، جنبش کارگری کشورهای رشد یافته سرمایه داری و نهضت های رهایی بخش ملی خلق های مستعمرات و نیمه مستعمرات را به مرحله نوینی از گسترش تاریخی بالا برد علیرغم همه تلاشهای مذبحانه مدافعین رنگارنگ نظام فاسد سرمایه داری در تحریف واقیعات و پیکان قلمداد کردن سوسیالیسم و امپریالیسم، واقیعت بزرگ و سرسخت دوران نوین تاریخ بشر این است که، تکوین جامعه نوین از همان مراحل جنینی اش در مبارزه رویارو و پیگیر علیه امپریالیسم و در اتحاد فزاینده با جنبش کارگری و نهضت های رهایی بخش ملی دوام و قوام یافته است.

برای میهن ما ایران پیروزی انقلاب اکتبر، براندازی نظام سرمایه داری و بنای جامعه ای آزاد از ظلم و استثمار برای آن در کشور همجوار، اهمیت ویژه ای داشت. ناصر عاملی گفته ملک الشیرازی بهار را (در میتینگ اعتراض علیه قرار داد ننگین ۱۲۹۸ و توثق الدوله، که ایران را تحت قیمومت انگلستان قرار میداد)

جنین به نظم کشیده است؛ حاصل سعی لنین و دولت او داشت سود فراوان برای ملت ایران

آنچه که مدیون روس دولت ما بود بر سر آنها کشید خامه بطلان

شاهد گفتار خویش آورم ایدر گفت بهار آن بزرگ مرد سخندان

کشور ما بود هم چو مردی آن عهد کوشد بین دو خصم واله و حیران

و اندو برای فنی آن یک بستند از دو طرف ریسمان و را به گریبان

هر دو سر ریسمان کشند بقدرت تا بستانند ز آن میانه از او جان

ناگه دستی ره نمود سربند یافت نجات آن اسیر زار پیریشان

دست لنین بود آنکه کشور ما را کرد را از میان پنجه خصمان

بیمورد نیست به خاطر آوریم، آنچه که مدیون "روسیه تزاری بود" دولت ایران، برابر محاسبات رسمی بالغ بر ۵۸۲ میلیون روبل طلا (بهمنه) ارزی آن زمان ۶۴۳ میلیارد دلار آنروز، یعنی ۱۶ برابر درآمد سالانه بودجه کل ایران در سال پیش از جنگ اول جهانی (میشد، که بلاعوض از سوی دولت شوروی به مردم ایران واگذار گردید.

لیکن اهمیت پیروزی انقلاب اکتبر برای میهن ما بسی گسترده تر و ژرف تر بود، بنا به تصدیق دوست و دشمن، اگر آن پیروزی و پیدایش نظام سوسیالیستی شوروی بجای رژیم سرمایه داری در روسیه تزاری نبود، اثری از استقلال ایران باقی نمی ماند. نظام نوین سوسیالیستی در اولین بیانیه خود "خطاب به زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین" (اواخر آبان ماه ۱۲۹۸) اعلام داشت:

"ما اعلام میداریم که قرار داد تقسیم ایران از هم دریده و نابود شده است. اسارت از جانب روسیه و دولت انقلابی آن در انتظار شما نیست، بلکه از جانب درندگان امپریالیست، یعنی از سوی نهائیت که میهن شما را به مستعمره تحقیر شده و به تاراج رفته خود مبدل کرده اند. به محض قطع عملیات جنگی قشون روسیه از ایران فراخوانده میشود و به مردم ایران امکان داده میشود که خود سرنوشت خویش را تعیین کنند"

دولت نو بنیاد شوروی به مفاد این بیانیه عمل کرد. با وجود مخالفت ها و کار شکنی های امپریالیسم و رژیم شاهنشاهی ایران، مذاکراتی که به ابتکار دولت شوروی، بلافاصله پس از انقلاب اکتبر، آغاز شده بود، سرانجام در اردیبهشت ماه ۱۲۹۹ به نتیجه رسید و مناسبات دیپلماتیک بین ایران و شوروی برقرار شد. در پی مساعی خستگی ناپذیر دولت شوروی، در ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ (اسفند ۱۳۰۰) قرارداد ایران و شوروی به امضا رسید. در این قرارداد بود که برای نخستین بار با پینتولاسیون (حقوق برون مرزی که دول امپریالیستی به ایران تحمیل کرده بودند) رسماً ملنا گردید. این قرارداد به ایران امکان داد که در سال ۱۳۰۶ مسئله لنگرکاپیتو-لاسیون را بطور کلی با دولت های امپریالیستی مطرح کند و با وجود مقاومت آنها، سرانجام در سال بعد به لغو آن نائل آید. در پی کوشش های دولت شوروی، در همان سال ۱۳۰۶ "عهدنامه مینسک و بیطرفی" بین دولتین با امضا رسید، که مبانی مناسبات سیاسی، اقتصادی و بازرگانی برابر حقوق بین دو کشور را پایه گذاری کرد. ایران با اتکا به قراردادها و موافقتنامه های منعقد با اتحاد شوروی توانست قانون تعرفه آزاد گمرکی را، که در اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ تصویب کرده بود، به دولت های امپریالیستی بقبولاند. در سالهای بحران عمومی اقتصادی جهان سرمایه داری (۱۳۱۱-۱۳۰۸) که حجم صادرات ایران به شدت کاهش یافت، بازرگانی با اتحاد شوروی تنها راه مؤثر تخفیف وضع

متن پیام سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری اسلامی ایران به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر

آورد: این روابط بر اساس برابری طرفین و انتفاع متقابل قرار گرفت. البته جلب ایران به بلوک های نظامی و پیمان های رژیم شاه با نیروهای تجاوز کار ممکن نبود اثر منفی خود را در این روابط باقی نگذارد. خط مشی اصلی اتحاد شوروی در مورد پشتیبانی از مبارزه ملت ها در راه آزادی و استقلال آنها، مانعی در سر راه آزادی و استقلال آنها، مانعی در سر راه همه کسانست که سعی دارند در امور داخلی کشورهای دیگر دخالت کنند. ل. ای. برژنف صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ماه نوامبر سال ۱۹۷۸ صراحتاً مجاز نبودن مداخله در امور داخلی ایران را از جانب هر کس و به هر پیمانهای که باشد، هشدار داد.

ملت شوروی رفتار توأم با احترامی نسبت به ملت ایران و نسبت به حق قانونی آن در مورد برقراری نظامی که با منافع آن مطابقت داشته باشد دارد و به تمایل ملت ایران در جهت زندگی بهتر احترام میگذارد.

در دو کشور ما نظامهای اجتماعی و اقتصادی و ایدئولوژی متفاوتی وجود دارد. ولی ما عقیده داریم که پیروزی ملت قهرمان ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ راه گسترش روابط فی مابین دو کشور ما را با روح صداقت و حسن همجواری واقعی هموار نمود. منافع بنیادی و ریشم ای ملت آنها و واقیعت عینی همجواری مستقیم جغرافیائی هر دو کشور را موجب به اینکار میکنند. لئونیدایلیچ برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی طی بیانات خود در بیست و ششمین کنگره حزب ما و هم-جنین در پیام های خود به آیت الله خمینی رهبر جمهوری اسلامی ایران، بارها تاکید نموده است که اتحاد شوروی از لحاظ آمادگی برای بسط و توسعه مناسبات میان دو کشور ما بر اساس دوستی و حسن همجواری و برابری متقابل کمبودی ندارد. بنویسه خود رهبران ایران نیز لزوم حفظ روابط سالم میان ایران و اتحاد شوروی را خاطر نشان ساخته اند. ما عقیده داریم که این تمایلات نیک باید اجرا شود.

در آستانه شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، که روز جشن ملی اتحاد شوروی میباشد، مردم شوروی از کلیه دوستان ایرانی بخاطر احساسات حسنه و گرمی که نسبت به کشور ما دارند، سپاسگزار می کنند. آنها احساسات و تمایلات ملت ایران را، که در ابتدا راه انقلابی خود بسوی زندگی بهتر قرار دارند درک و خواستار همه نوع موفقیت برای ملت ایران هستند.

سرشت نظام اجتماعی آن کشور، همواره هوادار مناسبات برابر حقوق، احترام متقابل به حق حاکمیت ملی کشورها، عدم مداخله در امور داخلی دیگران، پشتیبان استقلال و آزادی دیگر خلق ها بود است.

پس از آنکه دولت ایران در شهریور ماه ۱۳۴۱ رسماً اعلام داشت که به هیچ دولت خارجی اجازه هیچگونه پایگاه سلاح موشکی را در ایران نخواهد داد و سپس برای انعقاد یک سلسله قرارداد های اقتصادی، بازرگانی و فنی به دولت شوروی مراجعه کرد، چندین موافقتنامه به امضا رسید، که برای میهن ما اهمیت حیاتی داشت. از آنجمله اند، مبادله اسناد مربوط به موافقتنامه ترانسزیت بین دو کشور در آبان ماه همان سال (موافقتنامه در اردیبهشت ۱۳۳۶ منعقد شد) مولی تا آن زمان اعتبار رسمی نیافته بود (موافقتنامه کمک و همکاری فنی در ساختمان سد و تأسیسات آبیاری جهت استفاده از آبهای مرزی در رودخانه ارس، موافقتنامه همکاری اقتصادی و فنی در ایجاد تأسیسات صنعتی از جمله بقیه در صفحه ۱۰

به مناسبت شصت و چهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، م. وینوگرادوف، سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری اسلامی ایران، پیامی فرستاد، که چهارشنبه شب گذشته (۱۱ آبان ماه ۱۳۶۰) از سوی مطبوعات انتشار یافت. در زیر متن این پیام، به نقل از روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۷ آبان ماه ۱۳۶۰، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

تاریخچه

۶۴ سال پیش کارگران و دهقانان کشور ما دست به انقلابی زدند که به نام انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر وارد تاریخ شد. آنها تحت رهبری لنین و سرمایه داران و ملاکان را از گون کردند از طریق ارگان های انتخابی ملت، یعنی شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان، برای نخستین بار در تاریخ نوع بشر حکومت به نفع کسانی به مورد اجرا گذارده شد، که ستمدیده و محروم بودند.

راه ملت ما سخت و دشوار بود. ملت ما هجوم ضد انقلاب داخلی را، که تحت حمایت قوای ۱۴ کشور امپریالیستی بود، دفع نمود از عهده محاصره اقتصادی برآمد و پیروزی تاریخی بزرگی در جنگ با طاعون قهوه ای یعنی آلمان فاشیست و متحدان آن، که حامل خطر انقیاد برای کلیه کشورهای جهان، از جمله کشورهای آسیا و منجمله برای ایران بودند، به دست آورد.

دوره ای که از لحظه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر سپری شد، دوره آزمایش تاریخی همه جانبه انقلاب ما بود، که نیروی حیاتی خود را به ثبوت رساند. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به حقوق معنوی نشان داد که حکومت استثمارگران ابدی نیست. این حکومت باید جای خود را به حکومت زحمتکشان و حکومت مردم بدهد.

بر اثر قهرمانی مردم شوروی در عرصه کار و کارزار، کشور ما با دفع تهاجمات دشمنان و با غلبه بر مشکلات اقتصادی، ظرف ۶۴ سال، که مدت تاریخی کوتاهیست، تبدیل به کشور مترقی و نیرومندی شد.

پیشرفتهای حاصل شده در کشور ما بیکاری وجود ندارد، خانه سازی وسیعی که از لحاظ مقیاس خود بی سابقه است، انجام میگردد، شبکه وسیع مؤسسات، مخصوص کودکانی که هنوز به مدرسه نیروند، تأسیس گردیده و دولت به زنان مادر و معلولین

بحرانی اقتصادیات ایران بود (حجم بازرگانی خارجی ایران در این سالها به کمتر از یک سوم کاهش یافته بود، در حالی که سهم اتحاد شوروی در بازرگانی خارجی ایران در آخرین سال بحران به ۳۹ درصد افزایش یافته بود). در سالهای بعد، تشدید سیاست ضد شوروی از سوی دولت رضاشاه موفرود آوردن آن در برابر فاشیسم هیتلری، زیان بزرگی به مناسبات دو کشور روسیه پیشرفت اقتصادیات ایران وارد ساخت (اگر جمع بازرگانی خارجی ایران در سال ۱۳۱۰ به ۵۱۹ میلیون ریال می رسید، که ۳۸/۹ درصد آن سهم دولت شوروی تشکیل می داد، در سال ۱۳۱۷ جمع کل آن به ۱۶/۵ میلیون ریال می رسید، که سهم اتحاد شوروی در آن به ۸/۲ درصد کاهش یافته بود).

تاریخ مناسبات ایران و شوروی از روزهای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر تا به امروز، نشان میدهد که هر گاه ایران نیازی داشته و به دولت اتحاد شوروی مراجعه کرده است، با حسن تفاهم، همکاری و پشتیبانی آن دولت روبرو شده است. دولت شوروی، بر حسب

بود که میتوانست از این خامست جلوگیری کند (سهم اتحاد شوروی در بازرگانی خارجی ایران از ۵/۵ درصد در سال ۱۳۲۰ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۲۴ افزایش یافت). ولی این پیشرفت دیری نپائید. پس از خاتمه جنگ به علت مداخلات روز افزون امپریالیست ها، به ویژه امپریالیسم آمریکا و اخلاص و خرابکاری آنها در مناسبات ایران و شوروی، سهم اتحاد شوروی در بازرگانی خارجی ایران رو به کاهش گذاشت (در سال ۱۳۲۹ میزان ۲/۳ درصد مبادلات بازرگانی خارجی ایران را تشکیل میداد، در صورتیکه در همین سال کسر موازنه بازرگانی خارجی ایران به ۵ میلیارد ریال بالغ شده بود که ۳ بار بیش از میزان صادرات کشور بود).

توانند روی خورشید حقیقت را ببینانند سیاست خارجی لنینی دولت ما از لحظه برقراری نظام شوروی متوجه تأمین صلح بین ملت ها و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و حفظ حاکمیت و مصونیت ارضی آنها و احترام به حق هر یک از ملت ها برای انتخاب راه پیشرفت و ترقی خود بوده و هست و خواهد بود این سیاست متوجه پشتیبانی از ملت هایی است که در راه آزادی و استقلال مبارزه میکنند، متوجه مبارزه بر ضد خط مشی نیروهای امپریالیسم در مورد مسابقه تسلیحات و سیاست امر و نهی آن در مورد سایر کشورها میباشد. اتحاد شوروی به نفع از میان برداشتن "نقاط داغی که نیروهای امپریالیسم خواه در اروپا یا در خلیج فارس بوجود می آورند، اقدام می کند.

ولی ابرهای سیاه دروغ نمی-توانند روی خورشید حقیقت را ببینانند سیاست خارجی لنینی دولت ما از لحظه برقراری نظام شوروی متوجه تأمین صلح بین ملت ها و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و حفظ حاکمیت و مصونیت ارضی آنها و احترام به حق هر یک از ملت ها برای انتخاب راه پیشرفت و ترقی خود بوده و هست و خواهد بود این سیاست متوجه پشتیبانی از ملت هایی است که در راه آزادی و استقلال مبارزه میکنند، متوجه مبارزه بر ضد خط مشی نیروهای امپریالیسم در مورد مسابقه تسلیحات و سیاست امر و نهی آن در مورد سایر کشورها میباشد. اتحاد شوروی به نفع از میان برداشتن "نقاط داغی که نیروهای امپریالیسم خواه در اروپا یا در خلیج فارس بوجود می آورند، اقدام می کند.

روابط شوروی و ایران که روابط فی مابین کشور ما و ایران که تاریخچه دیرینهای دارد، بعد از پیروزی انقلاب اکتبر جنبه کاملاً تازه ای بدست

برانداختن تزاریسم و حکومت موقت بورژوازی در کشوری با آن ساختار مرکب و پیچیده اجتماعی اقتصادی و فرهنگی-عقیدتی، با همه پیوندهای نزدیکی که با امپریالیسم غدار جهانی داشت، به هیچ وجه کار آسانی نبود. راز بزرگ آن پیروزی عظیم جهانشمول در توفیق حزب لنین در ایجاد اتحاد همه نیروها و جریان های انقلابی درون کشور و جلب پشتیبانی گسترده و فعال زحمتکشان جهان از خارج بود. اندیشمندان های انقلابی اکتبر کبیر با ضربه در هم شکندن های که به امپریالیسم جهانی وارد ساخت، جنبش کارگری کشورهای رشد یافته سرمایه داری و نهضت های رهایی بخش ملی خلق های مستعمرات و نیمه مستعمرات را به مرحله نوینی از گسترش تاریخی بالا برد علیرغم همه تلاشهای مذبحانه مدافعین رنگارنگ نظام فاسد سرمایه داری در تحریف واقیعات و پیکان قلمداد کردن سوسیالیسم و امپریالیسم، واقیعت بزرگ و سرسخت دوران نوین تاریخ بشر این است که، تکوین جامعه نوین از همان مراحل جنینی اش در مبارزه رویارو و پیگیر علیه امپریالیسم و در اتحاد فزاینده با جنبش کارگری و نهضت های رهایی بخش ملی دوام و قوام یافته است.

برای میهن ما ایران پیروزی انقلاب اکتبر، براندازی نظام سرمایه داری و بنای جامعه ای آزاد از ظلم و استثمار برای آن در کشور همجوار، اهمیت ویژه ای داشت. ناصر عاملی گفته ملک الشیرازی بهار را (در میتینگ اعتراض علیه قرار داد ننگین ۱۲۹۸ و توثق الدوله، که ایران را تحت قیمومت انگلستان قرار میداد)

بقیماز صفحه ۱

تهیه شناسنامه

غارگری‌های امیرالیست‌ها و بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و در رأس آنها خاندان پهلوی دنبال می‌گردد، ناکافی و چه بسا ناقص و مبهم هستند خود دهقانان نیز هرگز انگیز مودلیلی برای دادن اطلاعات درست به آمارگران دولتی نداشتند. لذا تهیه آمارها و اطلاعات صحیح امری بسیار ضرور و لازم است.

بنابر آنچه گفته شد، موجود نبودن آمارها و اطلاعات صحیح و کافی از روستاها تنها و تنها موجبات اختلال وی نظمی را در تدوین برنامه‌های انقلابی بسوز زحمتکشان روستاها فراهم می‌آورد.

بنابراین، و در راستای اهمیت فوق‌العاده‌ای که وجود آمارها و اطلاعات صحیح برای تدوین برنامه‌های انقلابی دارند، حاکمیت انقلابی جمهوری اسلامی ایران انجام این کار خطیر را از محرای نهاد انقلابی جهاد سازندگی اعلام کرده است.

آنچه مسلم است اینست که جهاد سازندگی، به مقتضای خصلت انقلابی

و تهیدست روستاها در قبال این امر مهم اینست که با تمام وجود به آمارگران جهاد سازندگی در تهیه اطلاعات و آمارهای صحیح و همه‌جانبه یاری رسانند. روستائیان باید بطور صحیح و مفصل و با علاقه و شوق فراوان به پرسش‌های آمارگران، مندرج در شناسنامه، پاسخ دهند و تمامی اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند.

روستائیان زحمتکش باید بدانند که امر خطیر جمع‌آوری اطلاعات و آمارها توسط جهاد سازندگی کاری به سود خود آنان و در راستای تأمین منافعشان است و لذا بر همه لازم است که در اجرای کامل این امر مهم مشارکت فعال داشته باشند.

وظیفه‌های

انقلابی و مردمی

نهادهای انقلابی و مردمی نظیر شوراها و غیره، نیز در برابر این امر بسیار ضرور و وظیفه بزرگی به عهده دارند.

بخشی از وظیفه شوراها و اینست که، پیش از ورود آمارگران به آنجا، گوناگون، از قبیل تشکیل جلسات و اجتماعات، روستائیان زحمتکش را نسبت به مزایای جمع‌آوری آمار و اطلاعات آشنا کنند و برآگاهی آنان در

انقلابی پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مشارکت فعال و وسیع در این کار لازم و مهم است. وظایفی که در برابر انقلابیون و طرفداران تحکیم جمهوری اسلامی ایران، در روستاها در این زمینه قرار دارد، عبارتند از:

— خودشان در کار جمع‌آوری اطلاعات و آمار کوشا باشند.

— دهقانان زحمتکش را به مزایای طرح‌شناسنامه و آنها را تشویق به هم‌کاری فعال بنمایند.

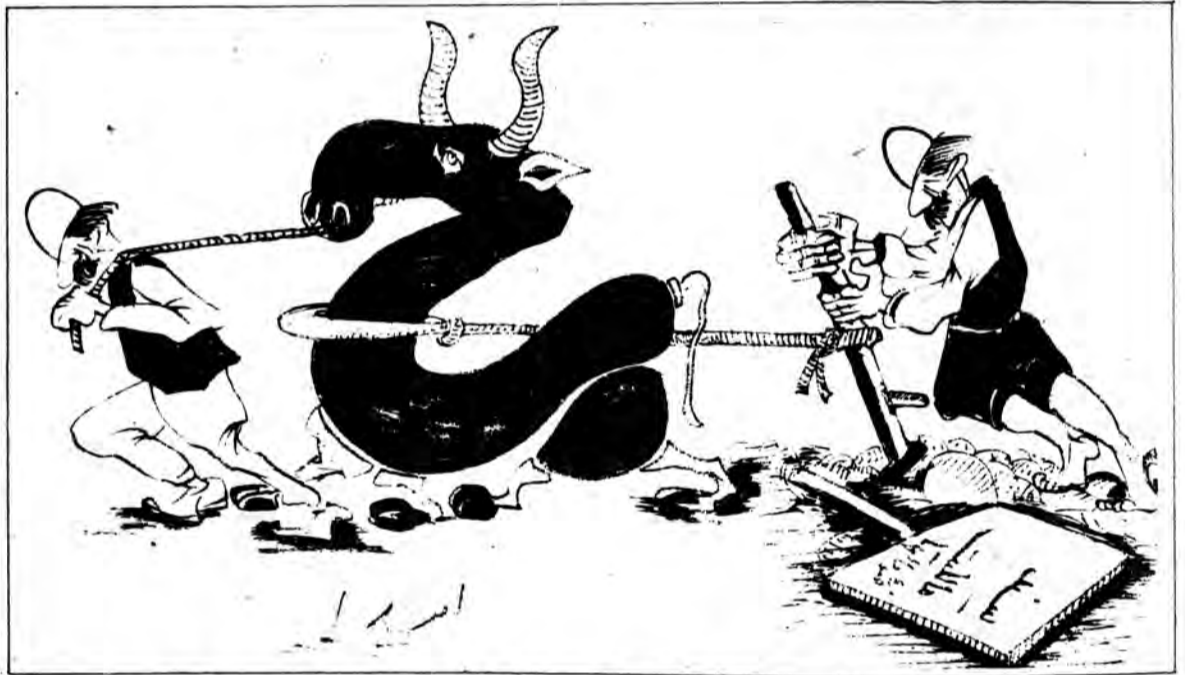
— همه آمارگران جهاد سازندگی همه گونه کمک برسانند.

— به شوراها و ده و سایر نهادها یاری کنند تا همه امکانات خود را در خدمت این طرح جهاد بگذارند.

— در برابر دسایس و خرابکاری‌ها و شایعات ضد انقلاب و سمپاشی‌های عمال مالکان بزرگ هوشیار باشند و با آن‌ها مقابله کنند.

نکته لازم و مهم درباره کارشکنی‌های مخالفان

نکته‌ای که ذکر آن در پایان



زمیندارانه پاسخ‌های هرچه کاملتر و صحیح‌تر به آمارگران جهاد سازندگی بفرمایند.

شوراهای ده و دیگر نهادهای انقلابی و مردمی باید به هنگام ورود آمارگران جهاد سازندگی امکانات لازم را برای انجام امر جمع‌آوری اطلاعات و تهیه آمار از روستا فراهم سازند و آمارگران را همه‌جانبه مساعدت و یاری رسانند.

زمیندارانه پاسخ‌های هرچه کاملتر و صحیح‌تر به آمارگران جهاد سازندگی بفرمایند.

شوراهای ده و دیگر نهادهای انقلابی و مردمی باید به هنگام ورود آمارگران جهاد سازندگی امکانات لازم را برای انجام امر جمع‌آوری اطلاعات و تهیه آمار از روستا فراهم سازند و آمارگران را همه‌جانبه مساعدت و یاری رسانند.

وظیفه همه انقلابیون

بطور کلی وظیفه همه نیروهای

خود و بنا بر تجربه و محبوسیتی که طی دو سال و اندی آندوخته است، این قدرت و توانایی را دارد که این وظیفه خطیر و مهم را به انجام رسانند.

در چارچوب انجام این امر مهم، وظایفی چند در برابر روستائیان زحمتکش روستاها، نهادهای مردمی و انقلابی و همه انقلابیون و مدافعان انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی و نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

وظیفه روستائیان زحمتکش

وظیفه مهم روستائیان زحمتکش

برژینسکی

بقیماز صفحه ۷

برژینسکی نتیجه نگرفت، اما آمریکا یک چهره ندارد

بدنبال این دیدار و سپس تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، لیبرال‌ها، که متوجه شدند بی‌گدار به آب زده‌اند و از هول حلیم در دیگ افتاده‌اند، کوشیدند تا به توجیه عمل خود بپردازند و با توسل به دروغ آبروی رفته را به جوی بازگردانند. دکتر یزدی در این باب پیشقدم شد و گفت: ... تاکنون مجموعه نظرات امام و شورا و دولت بر این بوده است که روابط

دیپلماسی با آمریکا قطع نشود. ... (۱۵ آبان ۵۸ - اطلاعات) به اضافه اینکه: ... اگر رهنمود شورای انقلاب و رهبر این بوده که در همان روزها باید قطع رابطه بکنیم (با آمریکا) خوب باید قطع رابطه میشد ... اما وقتی رهنمود ... این بود که کجدار و مریز فعلا کار بکنیم، خوب معلوم بود که من باید بروم ... صحبت بکنم ... (از مذاکرات همان جلسه مجلس - سخنان دکتر یزدی)

لیکن: ... حجت الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران رسماً تکذیب کرد که نه مستقیم و نه غیر مستقیم از دولت موقت خواسته نشده که با آمریکا کجدار و مریز کند. حجت الاسلام خامنه‌ای همچنین اعلام داشت که شورای انقلاب با ملاحظات دولت موقت با برژینسکی اصلاح مطلع نبوده است. ... (همان مذاکرات - روزنامه‌ها - ۲۹ شهریور ۵۹) و حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی،

ضرورت اینست که، این امکان وجود دارد که بزرگ مالکان و اربابان و دیگر مخالفان انقلاب در صدد کارشکنی و ایجاد اختلال در کار جمع‌آوری آمار و اطلاعات برآیند. لذا لازم است که روستائیان زحمتکش، نهادهای انقلابی و مردمی و تمام انقلابیون هشیار باشند و با درایت انقلابی دسیسه‌های مخالفان را خنثی کنند و اجازه کارشکنی و ایجاد اختلال را در کار آمارگران جهاد سازندگی به مخالفان انقلاب و عمال بزرگ مالکان ندهند.

رئیس مجلس شورای اسلامی و عضو شورای انقلاب نیز تأکید کرد که: ... ما همیشه در شورای انقلاب، همان موقع گله داشتیم از آقای دکتر یزدی که شورای انقلاب را در جریان مسائل شان نمی‌گذارند. با دولت شایدمی گذاشتند ... (همان جا)

و چنین بود که معلق زدن‌های نمایندگان سرمایه‌داری لیبرال ایران نیز نتوانست معامله با آمریکا را توجیه کند و آن را مشروع بنمایاند.

دیدار برژینسکی بی نتیجه ماند، اما فراموش نکنیم که آمریکا یک چهره ندارد، هزار چهره دارد و تنها محدودی از چهره‌های این جهان‌خواره خبیث بر مردم ما روشن شده است. آری، این هزارپا را پاهای پید و ناپید دیگری نیز هست. بهوش باشیم و با کمک‌گیری از هواداران راستین انقلاب و با تکیه بر خلق قهرمانان، توطئه‌ها را خنثی سازیم.

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

اجرای قانون و تأمین آزادی کلیه نیروهای

مدافع انقلاب، امنیت و آرامش را

به جامعه باز می‌گرداند

سررشته دار همه توطئه‌های براندازی علیه جمهوری

اسلامی ایران امپریالیسم آمریکاست.

مجلس با ۱۱۵ رأی موافق به نخست‌وزیری آقای

مهندس میرحسین موسوی رأی اعتماد داد.

های امپریالیستی است.

ناطق در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به دیوانه‌گری‌های امپریالیسم آمریکا، گسترش سیاست‌های تجاوزکارانه آن و از جمله گسترش نیروهای واکنش‌سریع برای سرکوب جنبش‌های پراکنده در منطقه، یادآور شد که:

"همه اینها گویای تدارک یک توطئه خونین در منطقه‌اند، که حتی می‌تواند جهان را به آتش و ویرانی و نابودی بکشد."

ناطق در این زمینه برای مثال به جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه ایران، امکان تجاوز به خاک لیبی و گسترش سرکوب جنبش‌های انقلابی مردم مصر و سودان و کوشش آمریکا برای برپائی جنگ محدود هسته‌ای اشاره کرد. ناطق سپس با اشاره به اظهارات الکساندر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا مبنی بر آنکه آمریکا میکوشد تاجریانات سیاسی در ایران منطبق با ارزش‌های غرب سیر کند، گفت:

"انقلاب اسلامی ایران در مبارزه بی‌امانش با امپریالیسم و متحدانش تنهانیست. از جمله جبهه پایداری و بخش‌هایی از کشورهای عضو جامعه غیرمتعهدها و همه کشورهای ضد امپریالیستی و بالاخره، همانطور که امام امت بیان فرمودند، کلیه محرومان جهان، در این مبارزه در کنار انقلاب اسلامی ایران هستند."

ناطق سپس تصریح کرد که: "با این توطئه عظیم امپریالیسم جهانی تنها باید با تأمین هرچه گسترده‌تر اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و آزادیخواه مقابله کرد."

نماینده آشوریان و کلدانیان در بخش‌هایی سخنان خود، ضمن بیان مطالبی در خصوص اجرای هرچه سریع‌تر اقدامات بنیادی بسوز زحمتکش شهر و روستا و نیز اجرای هرچه سریع‌تر قانون تأمین آزادی فعالیت کلیه نیروهای مدافع انقلاب، خواستار تصویب و اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، اجرای قانون ملی‌کردن تجارت خارجی و اجرای قانون مسکن و اراضی موات شهری شد.

ناطق همچنین خاطر نشان ساخت که اجرای قانون و تأمین آزادی فعالیت کلیه نیروهای مدافع انقلاب "امنیت و آرامش را به جامعه باز خواهد گرداند و زمینه را برای استفاده از همه نیروهای کبها انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم دارند، برای سازندگی میهن عزیز ما فراهم خواهد کرد."

دومین ناطق پیش از دستور این جلسه، دکتر حسن روحانی، نماینده مردم سمنان بود.

در جلسه علنی روز پنجشنبه ۷ آبان ماه ۶۰، درباره نخست‌وزیری آقای میرحسین موسوی رأی گرفته شد و مجلس با ۱۱۵ رأی بایشان رأی اعتماد داد.

در جلسات علنی هفته گذشته، مجلس شورای اسلامی با ۱۱۵ رأی موافق و ۳۹ رأی مخالف و ۴۸ رأی ممتنع از مجموع ۲۰۲ رأی، به نخست‌وزیری آقای مهندس میرحسین موسوی رأی اعتماد داد.

در این جلسات گفته شد: "سررشته دار همه توطئه‌های براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران آمریکاست و اجرای قانون و تأمین آزادی نیروهای مدافع انقلاب امنیت و آرامش را به جامعه باز خواهد گرداند."

در اولین جلسه علنی مجلس، که در روز یکشنبه سوم آبان ماه ۶۰ تشکیل شد، پس از سخنان چند تن از نمایندگان، یعنی آقایان محمدعلی سبحان‌الهی، نماینده مردم تبریز، محمد اسماعیل شوشتری، عبدالکریم اربابی، نماینده مردم چابهار، و یونس محمدی، نماینده مردم شادگان و خرمشهر، به عنوان نطق پیش‌از دستور حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس تذکرات برخی از نمایندگان را به مسئولین کشور قرائت کرد و طی سخنان کوتاهی به مسئولین دولت درباره عدم اجرای قوانین تصویب شده مجلس تذکراتی داد و گفت:

"مواردی هست که در مجلس قوانین تصویب شده و مدتی است از ابلاغ آنها میگذرد و هنوز خبری از اجراء نیست. ما این تذکرها را الان می‌دهیم که اگر اجراء نشود، مورد به مورد بازخواست خواهیم کرد."

در جلسه علنی روز یکشنبه گذشته لوایح راجع به اجازه پرداخت حقوق و فوق‌العاده‌های مستمر کارکنان دولت، که به اسارت رژیم مزدور عراق درآمد، تهیه و تنظیم لایحه تقسیمات کشوری، اصلاح اساسنامه تأمین خدمات درمانی عائله درجه یک افسران و همافران و کارمندان ارتش و ژاندارمری، پرداخت فوق‌العاده اضافه کار ساعتی کارمندان وزارت پست و تلگراف و تلفن، حذف سوبسید روغن نباتی، که به صورت خام تحویل کارخانجات تولیدی روغن نباتی میگردد، از تصویب نمایندگان مجلس گذشت.

در دومین جلسه علنی مجلس، که روز سه‌شنبه پنجم آبان ماه ۶۰ تشکیل شد، آقای مهندس میرحسین موسوی، به عنوان نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران، از سوی رئیس جمهور حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای، به مجلس معرفی شد.

اولین ناطق پیش از دستور این جلسه، سرگون بی‌تاوشانا، نماینده آشوریان و کلدانیان، بود. ناطق در آغاز سخنان خود به توطئه‌های امپریالیستی علیه انقلاب اشاره کرد و گفت:

"اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی تنها راه مقابله با توطئه"

تفسیر وقایع ... بقیه از صفحه ۵

اصلی آنان جاسوسی به نفع دشمنان انقلاب ایران در منطقه است. عربستان سعودی بدین ترتیب خاک خود را به پایگاه اصلی توطئه های امپریالیستی در منطقه تبدیل میکند، که همزمان با سایر اقدامات آن، از جمله طرح فهد تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، واگذاری وامهای بزرگی بپاره به عراق و کار شکنی های نمایندگان آن در اوپک، کمک های عظیم به ضد انقلابیون افغانی بنام "حمایت از اسلام در برابر کفر" به حجاج عین حال حمله وحشیانه به حجاج ایرانی بدلیل دادن شعارهای ضد آمریکائی و ضد صهیونیستی، موضع آن را در قبال مبارزه جهانی انقلاب و ضد انقلاب به روشنی میتوان تشخیص داد.

سیاست عربستان سعودی در جهت تامین "صلح" در منطقه نزدیکی به مصر پس از مرگ سادات به دستاویز آن که موضع مصر تغییر کرده است، جزئی دیگر از سیاست حکام مرتجع عربستان برای منزوی کردن نیروهای انقلابی منطقه در برابر امپریالیسم جهانی است. عربستان سعودی بدلیل امکانات عظیم مالی که در اختیار دارد، تاکنون توانسته است نقش تخریبی مهمی در منطقه بسودا امپریالیسم آمریکا ایفا کند. استراتژی عربستان سعودی طی بیست سال اخیر اخلاص در روابط جنشیها و کشورهای انقلابی با اتحاد شوروی بوده است. پول عربستان سعودی، توأم با حیلگری سرویس های جاسوسی اسرائیل و آمریکا و انگلستان، همیشه به رشد گرایش های سازشکارانه در جنبش های آزادیبخش منطقه کمک کرده است. در برخی از موارد در اثر این تحریکات یک جنبش انقلابی به کلی چهره دیگری به خود گرفته است. عربستان سعودی در گردش مصر به راست پس از مرگ ناصر تاثیر بزرگی داشت. تحریکات عربستان سعودی در پاکستان نیز در این جهت انجام گرفته و می گیرد. پول، پولی که میتواند تمام خلفای مسلمان جهان را به

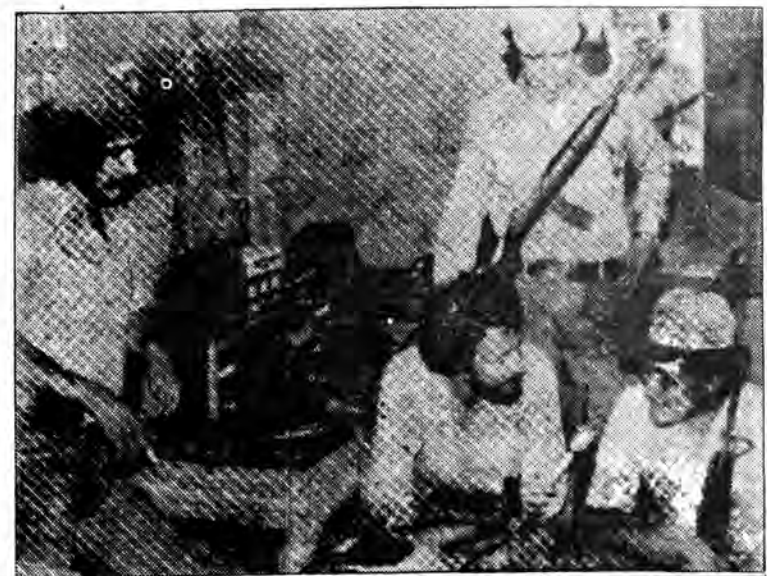
رفاه و آسایش برساند درست برضد این خلق ها، بادست حکام مرتجع عربستان، و از آن بیشتر بدست ریگان ها و هیگ ها برای سرکوب جنبش های انقلابی به مصرف میرسد. آواکس ها نیز مصرفی جز این ندارند. پیوند زمامداران مرتجع سعودی با امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، محکم تر از آن است که بتوانند بر خلاف مصالح سرزمین پاداری جهانی و اسرائیل فزوند دلبدان آن، کوچکترین گامی بردارند. شاهان سعودی تنها در یک جهت می توانند فعالیت کنند و آن کمک به اجرای نقشه های امپریالیستی زیر پرچم اسلام آمریکائی است. اسلام آنان هنگامیکه کار به توطئه بر ضد جنبش های انقلابی می کشد (مثلا در ظفار، سومالی، ایران، یمن، افغانستان، لیبی، بهترین حربه در دست امپریالیسم است. "عربیت" آنان نیز چنین است. آنکس که قدمی برخلاف منافع امپریالیسم بردارد، نه عرب است و نه مسلمان از اینرو عربستان سعودی هر قدر هم شعار ضد اسرائیلی بدهد، عملا متحد صهیونیسم و اسرائیل است، چنانکه طرح فهد نیز گامی در جهت نقایق افکنی در صفوف مخالفان اسرائیل است.

برقراری صلح در خاور نزدیک و میانه، چنانکه در اعلامیه های وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است، تنها پریایه ادامه مبارزه تا طرد کامل امپریالیسم و صهیونیسم از منطقه امکان پذیر است. صلح در منطقه بدون آنکه امپریالیسم و صهیونیسم از بین برده شوند، هرگز برقرار نخواهد شد. این خلق ها به سیاست امپریالیستی، که پایه آنرا استفاده از زور برای غارت ثروت های این منطقه زرخیز تشکیل میدهد، هرگز گردن نخواهند گذارد. تا امپریالیسم باقی است، به گفته امام خمینی، مبارزه علیه آن نیز باقی است. این مبارزه هر چاشکی به خود میکشد، اما رویارویی بین خلق ها و امپریالیسم غارتگر، تا محو کامل نظام سرمایه داری ادامه خواهد یافت.

جبهه آزاد یبخش «فارا بوندومارتی» مواضع خود را استحکام می بخشد

در شرایطی که هر روز سیل کمک ها و سلاح های آمریکائی برای سرکوب رزمندگان انقلابی جبهه آزاد یبخش «فارا بوندومارتی» به السالوادور جاری است، انقلابیون السالوادور بی هر اساز شقاوت بهیمی مزدوران آمریکایی بیش از پیش مواضع خود را در روییدن رژیم آمریکائی تحکیم می کنند. آنها برای افشای تبهکاری های این رژیم و رساندن پیام انقلاب به مردم فهردان السالوادور در ۶ ژانویه ۱۹۸۱ ایستگاه رادیویی «رادییو نوسروس» را بکار انداختند.

عکس زیر گوینده رادیو نوسروس را در حال مصاحبه با فرمانده جبهه آزاد یبخش «فارا بوندومارتی» نشان می دهد.



اتحاد شوروی دوست ...

بقیه از صفحه ۸ "سیلو در شهرهای مختلف ایران، موافقتنامه جهت ایجاد تاسیسات تکثیر ماهی در آبهای جنوبی بحر خزر، موافقتنامه مبادلات فرهنگی بین دو کشور، موافقتنامه همکاری بین دو کشور در امور مربوط به هوا سنجی، موافقتنامه مربوط به همکاری فنی در ایجاد موسسات ذوب آهن و کارخانه ماشین سازی و کشیدن لوله گاز و غیره. انقلاب شکوهمند مردم ایران به

بمناسبت سی و پنجمین سالگرد پایه گذاری «یونسکو»

سیزدهم آبان ۱۳۶۰ / چهارم نوامبر ۱۹۸۱

خود، فعالیت های چشمگیری در زمینه های آموزشی، علمی و فرهنگی داشته است. بخش آموزشی، که مهم ترین بخش این سازمان را تشکیل می دهد، به ویژه در تهیه و اجرای طرح های مبارزه با بیسوادی، با دولت هایی که برای محو بیسوادی تلاش میکنند، همکاری دارد. "یونسکو" همه ساله به کشورهای پانهاد هائی که در زمینه مبارزه با بیسوادی موفقیت های چشمگیری به دست می آورند، "جایزه کروپسکا" را اعطا میکند. سال پیش این جایزه به اتیوپی و نیکارا گوتیه انقلابی تعلق گرفت. "یونسکو" همچنین در امر آموزش کودکان آواره خلق فلسطین فعالیت میکند.

گستره دیگر فعالیت "یونسکو" علوم و فنون است. طرح های متعددی در این زمینه در دست اجراست. از آنجمله اند طرح آموزش فنی و توسعه در آسیای جنوب شرقی و اقیانوس آرام، بیو - تکنولوژی و میکروشناسی در آفریقا و کشورهای عربی، استفاده عقلانی از منابع آب در محیط روستائی، اثرات سموم نباتی، مسائل محیط زیست شهری، مسائل مناطق خشک و نیمه خشک و مسئله پیشروی ماسه های ساحلی در مصر و غیره.

در زمینه علوم اجتماعی، بر اثر انتشار مطالعات افشاگرانه "یونسکو" درباره افسانه برتری نژادی، آفریقای جنوبی بیست و پنج سال پیش (۱۹۵۶) از عضویت سازمان گناره گرفت.

در زمینه فرهنگی "یونسکو" علاوه بر انتشار بررسی های تحقیقاتی (از جمله "تاریخ بشریت" و "تاریخ عمومی آفریقا" که اکنون دو جلد آن منتشر شده است) در حفظ آثار باستانی بشریت نیز اقدامات چشمگیری انجام داده است. "یونسکو" با محکوم ساختن سیاست فرهنگی اسرائیل در سرزمینهای اشغالی اعراب و اقدام به حفاری در قدس، خصومت محافل صهیونیستی را علیه خود برانگیخت، همچنان که کشورهای امپریالیستی نیز از اینکه "یونسکو" بنیادهای سیاسی، اقتصادی و حتی فلسفی "عرب" را مورد تردید قرار داده است، ناخشنودند.

امروزه، حضور فعال کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و کشورهای سوسیالیستی در "یونسکو" موجب شده است که این سازمان بیش از پیش در نیل به هدف های بشر دوستانه خود توفیق پیدا کند.

سهمار ویزا پرستی مطرح شد. نیروهای مترقی در "یونسکو" آگاهند که حل مسائل ذکر شده، شرط لازم پیشرفت در زمینه هائی است، که مستقیما در حیطة صلاحیت این سازمان قرار دارند. سیاست دولت های امپریالیستی، یعنی دور نگاه داشتن "یونسکو" از مسائل حاد بین المللی، دیگر خریداری ندارد. بدین ترتیب بود که یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، علیرغم برخی مخالفت ها، در بیست و یکمین اجلاس کنفرانس عمومی "یونسکو" در بلگراد، به عنوان میهمان شرکت کرد و طی نطق خود قرارداد کمپ - دیوید را به مورد انتقاد قرار داد و به موضع تسلیم طلبانه مصر در این زمینه حمله کرد. در همین اجلاس قطعنامه های مختلفی تصویب رسید، که همگی بیانگر موضع "یونسکو" در ارتباط با مسائل حاد بین المللی است. از آنجمله آنکه قطعنامه درباره "نقش یونسکو" در آگاه ساختن افکار عمومی از مزایای توفیق مسابقه تسلیم حاکم و خلع سلاح، قطعنامه مربوط به همکاری فرهنگی و علمی بر پایه برابری و منافع متقابل کشورها به عنوان عامل اساسی در تحکیم صلح، دوستی و تفاهم میان ملت ها، قطعنامه مربوط به "مشارکت یونسکو" در آماده ساختن جوامع برای زندگی در محیطی صلح آمیز.

نیروهای مترقی موفق شدند که، علیرغم تمامی نیرنگ های مخالفین، مسئله اهمیت پشتیبانی یونسکو از جنبش های آزادیبخش ملی برسمیت شناخته شود. آنها توانستند به ویژه کمک به "سازمان آزادیبخش فلسطین" را در آخرین قطعنامه بکنجاندند. هم چنین سیاست اسرائیل در سرزمین های اشغالی اعراب، بویژه کوشش های این رژیم در تغییر چهره تاریخی و فرهنگی قدس در این کنفرانس محکوم شد. تلاش برخی از هیئت های نمایندگان برای مطرح کردن به اصطلاح "مسئله" افغانستان و "مسئله کامبوجیا" با شکست روبرو گردید.

در ارتباطی که امپریالیسم خبری بر روابط ارتباط جمعی بین المللی جنگ انداخته است، "یونسکو" هم چون دیگر سازمان های بین المللی، میتواند تریبون مستحکم برای کشور - های "جهان سوم" باشد. "یونسکو" طی زندگی ۳۵ ساله

سیزدهم آبان ۱۳۶۰ (چهارم نوامبر ۱۹۸۱) مصادف است با سی و پنجمین سال بنیانگذاری "سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد" (یونسکو). هم اکنون ۱۵۴ کشور جهان در این سازمان، که مهم ترین نهاد تخصصی سازمان ملل متحد به شمار میرود، عضویت دارند. عالیترین ارگان "یونسکو" "کنفرانس عمومی" است، که هر دو سال یکبار با شرکت نمایندگان کلیه کشورهای عضو تشکیل میشود. بیست و یکمین اجلاس "کنفرانس عمومی" از ۱۳ مهر تا ۱۶ آبان ۱۳۵۹ (۲۳ سپتامبر تا ۲۸ اکتبر ۱۹۸۰) در بلگراد تشکیل شد. "کنفرانس عمومی" سیاست سازمان، برنامه فعالیت و بودجه آنرا تعیین و تصویب و همچنین شورای اجرایی (مرکب از ۴۵ عضو) و مدیر کل "یونسکو" را انتخاب میکند.

بودجه این سازمان بیش از ۲۰۰ میلیون دلار در سال است، که باید چندین ده میلیون دلار بودجه اضافی را، که به وسیله برنامه توسعه سازمان ملل متحد تأمین میشود، به آن افزود. علاوه بر مقر اصلی "یونسکو"، که در پاریس واقع است، این سازمان دارای بیش از ده مرکز منطقه ای در قاره های مختلف است، که فعالیت های گوناگون در زمینه های آموزشی، علمی و فرهنگی انجام می دهند.

بر اساس ماده یک اساسنامه "یونسکو"، هدف اساسی این سازمان "کمک به تحکیم صلح و امنیت از طریق بسط همکاری میان ملت ها در زمینه های آموزشی، علمی و فرهنگی است." "یونسکو" در آغاز فعالیت خود زیر سلطه دولت های امپریالیستی قرار داشت و این کشورها میکوشیدند، تا سازمان نامبرده را از مسائل مهم بین المللی برکنار نگه دارند. آنها همچنین قصدشان این بود که "یونسکو" را به ابزاری برای بسط سلطه ایدئولوژیکی و فرهنگی خود در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مبدل سازند و الگوی "عربی" را در زمینه های آموزشی، علمی و فرهنگی بر این کشورها تحمیل کنند. اما با پیوستن کشور های سوسیالیستی به "یونسکو" (در سال ۱۹۵۴) و چندی بعد با عضویت دهها کشور نواستقلال آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، ضرورت مشارکت "یونسکو" در حل مسائل اساسی بین المللی، و در درجه نخست در تحکیم صلح، خلع سلاح و تشدید مبارزه علیه

دبیر کل سازمان ملل متحد چگونه انتخاب می شود؟

دبیران کل سازمان ملل متحد تا کنون بشرح زیر بوده اند: تریگولی (نروژ) ۱۹۵۳-۱۹۴۶ داگ هارمبولد (سوئد) ۱۹۶۱-۱۹۵۳ (وی در سال ۱۹۶۱ در سانحه ای هوایی در آفریقا به هلاکت رسید). اوتانت (برمه) ۱۹۷۱-۱۹۶۱ کورت والد هایم در دسامبر سال ۱۹۷۱ به سمت دبیر کل سازمان ملل متحد

بر پایه ماده ۹۷ منشور سازمان ملل متحد، هر پنج سال یکبار دبیر کل این سازمان را مجمع عمومی سازمان ملل متحد بنا بر توصیه شورای امنیت بر میگزیند. این توصیه باید با موافقت ۹ عضو (از مجموع ۱۵ عضو) شورای امنیت، از جمله هر پنج عضو دائمی شورا (اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و چین) صورت می گیرد. طبق آئین نامه مجمع عمومی، این نهاد در اجلاسی غیر علنی به بررسی و رای گیری درباره توصیه شورای امنیت خواهد پرداخت. اما در عمل، تاکنون همد دبیران کل سازمان ملل متحد در جلسات علنی مجمع عمومی برگزیده شده اند.

انتخاب شد و در ژانویه سال ۱۹۷۲ شروع به کار کرد. وی در دسامبر ۱۹۷۶ بار دیگر به این سمت انتخاب شد و تا ۳۱ دسامبر امسال به فعالیت خود ادامه خواهد داد. کورت والد هایم چندین بار پیش در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک اعلام داشت که در صورت توصیه شورای امنیت و تصویب مجمع عمومی، حاضر است که پنج سال دیگر هم انجام وظیفه کند. دیگر نامزد این سمت احمد سلیم، وزیر خارجه تانزانیا است، که سازمان وحدت آفریقا در آخرین اجلاس خود در پایان ژوئن امسال او را برای انتخاب به سمت دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهاد نمود.

خصوصا توسط اتحاد جماهیر شوروی، حتما به تضعیف مواضع سیاست خارج رژیم خمینی منجر خواهد شد. بر هواداران ضد صیدق انقلاب اسلامی ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران، سازندگان نظام جمهوری اسلامی ایران و پیروان اینتاگر خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی است که به خاطر تقویت جمهوری نوپایمان، در تقویت و گسترش مناسبات ایران با دولتی که خود محصول انقلابی دوران ساز بود است، هر چه بیشتر بکوشند.

می کنند و از انقلاب شکوهمندمان هنوز مدت درازی نگذشته است. در همین مدت تاریخی بس کوتاه نیز ما از ثمرات همکاری و پشتیبانی همسایه شمالی مان بهره مند بوده ایم. لحظه ای هم نباید فراموش کرد که همه ماسعی دشمن شماره یک ما امپریالیسم آمریکا و دست نشاندهان رنگارنگ راست و چپ "اوروی اخلاص در مناسبات حسن همجواری، دوستی و همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی متمرکز شده است. چون طبق رهنمود برژنسکی، "پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی،

خواهر آمریکا از هرگونه مداخله در امور ایران بر حذر داشت. این سیاست لنینی دولت سوسیالیستی که زائیده انقلاب کبیرا کتبر است، تا به امروز بزرگترین امکان واقعی را برای حفظ استقلال و آزادی ایران و ترقی و رفاه مردم زحمتکش ایجاد کرده است. بهره گیری از ایمن امکان واقعی بزرگ وظیفه گردانندگان امور کشور، وظیفه هم نیروهای انقلابی، میهن دوست، استقلال طلب و آزادی خواه ایران است، که انقلاب شکوهمندمان و هنوز نوبنیاد جمهوری اسلامی ایران را قدر می دانند و از جان و دل به آن خدمت

جعفرکوش آبادی

در بیمارستان شهدا

آفتاب پائیز
روی بیمارستان
گوشتاخیمه زربین زده بود
ودرخت زرد نارونی
مثل خمپاره در چرخش باد
منفجر می شد و صدها پاره برگ از آن
به سرو صورت مردم می خورد

روی قبا نوس خاطره جانبازان می راندم
زیر انگشتان احساسم

نبض رشادت می زد

نوجوانی مغرور
خود را گردن بر امواج سپید شدم می گوید
ابر ها را جارو خواهم کرد
شمعدانیهای شادی در باغچه ها خواهم کاشت
پا اگر نیست چه باک
با گل اندیشه
رنگ وبوی وطنم خواهم بود

مردم جروحی بی گوید آقا بخدا
نیمه های خنک گلگون شهادت بودم
از دل سنگرم
تابهشت ملکوت
دو قدم فاصله بود
چه کنم بخت به من یار نشد
بار دیگر که روم جبهه ان شاء الله...

دختر معلولی
آه افسوس... کنان می نالد
چه عروسکهای کهنای زیبائی
مادرم دوخته بود
پدرم دلداری می دادم
که عروسکهایم
در شب حمله کفار به قلب سوسنگرد
از دل خانه به گلگشت جهانی رفتند
که در آن
خبری از خطر موشک و پیرپوشدن جانها نیست
و به جای همه بمب افکنها
بادبادکهای رنگارنگ
آسمانها را می پیمایند
دل من می خواهد
بروم پیش عروسکهایم پاهایم

پسری
که در آینه چشمانش
برق کاشی های مسجد گوهر شاد دست
زیر لب می غرد
با در این پیکار برحقمان با باطل
شیشه عمر جهان خواران را می شکنیم
و گواه حرفم
پاسدار پست که بار غبت خون
به اسپرزخمی می بخشد
و به یاران شمی گفت دلم می خواهد
انقلاب را با خونم صادر بکنم
یا همان برزگر پیری
که به زیر چتر ترکش خمپاره گندم می کاشت
وسر آخر هم
جان خود مایه گذاشت
نهر اسید برادرهایم
باز می گردیم از جبهه آن لحظه که ماه
یکبقل نسترن وحشی بر دامن آبادان است
ودهان هممتان از شهد پیروزی شیرین است

آفتاب پائیز
جگر خون شده ای بود که از سینه کوه
شیروانی هارا رنگ شقایق می زد
ومن خسته در ساحت بیمارستان
به تنامی لبریز از شور شهادت بودم
و در آن تنگ غروب
آبرهای همه گیلان از چشمانم می بارید
شهریور ۶۰

گام اول

برای يك حرکت انقلابی

آقای مهندس میرحسین موسوی
نخست وزیر جدید ایران انقلابی در
سخنرانی خود، که قبل از خطبه های
نماز جمعه در دانشگاه تهران ایراد شد.
رئوس برنامه های دولت را اعلام کرد.
نخست وزیر خط اقتصادی دولت
را "خط حمایت از مستضعفان" اعلام
کرد و گفت:

"میدانید بعد از پیروزی انقلاب
دشمن ما آمریکا با همه نیروی که در
اختیار داشت سعی نمود در این جبهه
مردم را به زانو در بیاورد. حصر اقتصادی
آثار و گستردگی آن واضحتر از آن است که
در مورد جزئیات آن صحبت کنم."
(جمهوری اسلامی - ۹ آبان ۱۳۶۰)

نخست وزیر در سخنان خود هم -
چنین به عزم دولت برای پیروزی در
جنگ تحمیلی، که مسئله اصلی کشور
است اشاره کرد، حل مسئله امنیت را
نویس داد و تاکید کرد که ایران نظریه
ایجاد جبهه اسلامی برای مبارزه با
امپریالیسم و صهیونیسم را به عنوان
"محور سیاست خارجی" دنبال خواهد
کرد.

اولین سخنان نخست وزیر جدید
که در آن رئیس برنامه دولت اعلام
شد، گام بلندی برای آغاز یک حرکت
انقلابی است، که امروز جامعه ما به آن
چشم امید دوخته است. مردم ایران
چشم انتظار این هستند که با طرح
دقیق برنامه دولت، که در آن از جمله
باید شرایط فعالیت سیاسی گروه های
طرفدار انقلاب بر اساس قانون اساسی
فراهم شود،
کشور انقلابی ما مرحله حساس
کنونی را پشت سر بگذارد و به سوی
آینده تابناکی حرکت کند.

باز هم امپریالیسم خبری

حجت الاسلام عبدالمجید
معاد پخواه، وزیر ارشاد اسلامی در
پیامی که هفته گذشته خطاب به وزرای
اطلاعات کشورهای غیر متعهد جهان
فرستاد - ولیست ترورها و جنایات
امپریالیسم و ایادی داخلی آن را نیز
به همراه داشت - بار دیگر از ماهیت
جناياتكارانه امپریالیسم خبری پرده
برداشت. وزیر ارشاد اسلامی ایران
در این پیام اعلام کرده است که:
"دشمن اصلی آمریکا و متحدانش"
عمیق ترین توطئه های خود را از مجرای
بنگاه های سخن پرانی خود و خبرگزاری
های صهیونیستی با جعل خبر و نشر
اکاذیب در جهان عملی می سازد و
اخیرا این توطئه را وارونه جلوه دادن
مقابل به حق امت با عوامل درونی
شیطان بزرگ و مفسدين و محاربین عملی
می نماید. (کیهان - ۶ آبان ۱۳۶۰)

در ادامه پیام وزیر ارشاد
اسلامی آمده است:
"ما مطمئنیم که شما از ماهیت
دروغ آفرین امپریالیسم خبری و
تبلیغاتی جهانی به سرکردگی آمریکا و
فلسفه وجودی آن بی خبر نیستید."
(همانجا) و اضافه شده: "در حالی که
ضدانقلاب حجیم ترین و در عین حال
زشت ترین وسیله ترین کارنامه ها را
تحویل گرفته، متقابلا امپریالیسم
خبری بیشترین و بسی سابقه ترین
تبلیغات را در سطح جهانی به مثابه
دایم ای دلسوز برآمانداخته است."
(همانجا)

به نظر ما، این سخنان افشا -
گرانه وزیر ارشاد اسلامی ایران عین
واقعیت است. چنین موضع گیری در
سطح جهان بسود انقلاب ایران و افشاگر
باز هم بیشتر ماهیت پلید امپریالیسم
خبری، بعنوان یکی از بازوهای اصلی
امپریالیسم به سرکردگی آمریکا است.
ما امیدواریم که روزنامه نگاران

در هفته ای که گذشت:

انقلابی مبین ما هم به عمق این
سخنان وزیر ارشاد اسلامی توجه و از
افتادن در دام امپریالیسم خبری
پرهیز کنند. برآستی که اهمیت این
مسئله در رسانه های گروهی ما، که
متاسفانه همچنان زیر تسلط امپریالیسم
خبری هستند، صد چندان بیشتر از
همیشه است.

معیار درست

ایران انقلابی در هفته ای که
گذشت، با انتشار اعلامیه های توسط
وزارت امور خارجه، جنبش آزادی -
بخش السالوادور را برسمیت شناخت.
در این اعلامیه از جمله آمده است:
"بدین وسیله دخالت های
امپریالیسم آمریکا در السالوادور را
محکوم و حمایت کامل خود را از نیرو -
های انقلابی و مبارزان السالوادور که
علیه دیکتاتوری نظامی فاسد و تحت -
الحمايه رژیم نظامی حوزه ناپلئون
اورات می جنگند، خصوصا جبهه
دموکراتیک انقلابی و جبهه آزادی -
بخش ملی فارابوندو مارتی را اعلام
داشته و این جبهه ها را برسمیت می -
شناسد." (جمهوری اسلامی - ۴ آبان
۱۳۶۰)

آقای میرحسین موسوی وزیر امور
خارجه وقت، در توضیح این شناسائی
به خبرنگاران گفت:

"در السالوادور نیروهای
هستند که علیه رژیم آمریکائی حاکم در
این کشور مبارزه می کنند و آنها با وجود
نداشتن ایدئولوژی اسلامی، به این
دلیل که علیه امپریالیسم، سلطه گری
و استثمار و استعمار به مبارزه برخاسته -
اند ما نیز بخاطر احساسات عمیق اسلامی و
انسانی خودمان از این نیروها حمایت
می کنیم." (اطلاعات - ۶ آبان ۱۳۶۰)

پارعايت عدالت، بهانه را

از ضد انقلاب بگیریم

آیت اله موسوی اردبیلی، رئیس
دیوان عالی کشور، در یک مصاحبه
تلویزیونی که هفته گذشته انجام شد،
ضمن تاکید بر این واقعیت که "جوسازی
در مورد دادگاهها جنبه سیاسی دارد"
به برخی از اشتباهات در دادگاه های
انقلاب اشاره کرد و گفت:

"من نمی خواهم اینطور نظر
بدهم که در میان این همه قضاوتها
در این همه محکمه ها هیچ تخلصی
نشده. من نمی خواهم شعار بدهم. من
میخواهم یک واقعیتی را روشن کنم که
کارهایی در این سطح در این حجم و
در این موقعیت ممکن است یک درصدی
هم گاهی اشتباه شده باشد. البته
این اشتباه چون راجع به حقوق مردم
است پی گیری می شود." (اطلاعات -
۵ آبان ۱۳۶۰)

آیت اله موسوی اردبیلی اضافه
کرد: "چندی پیش قضاوتی در اهواز
شده که به نظر شورای عالی قضائی
هم رسید. این قضاوت حداقل یک
اشتباه دارد. روی این اصل پیرونده
را خواستیم و به دادگاه عالی فرستادیم و
هم اکنون حاکم شرع این پرونده تحت
محاکمه است که دفاع کند و حتی بعضی
از حکام شرع که قبلا محکوم شده
بودند، در حال حاضر در اوین هستند
و دوران محکومیتشان را می گذرانند.
گاهی این هست و این پیگیری میشود
که این نقصها و ضعفها که در کار هست
برطرف شود." (همانجا)

این سخنان نشان می دهد که
خوشبختانه نیروهای خط امام، با

توجه به رویدادهای کشور، به مشکلات
و مسائل توجه کرده و برای حل آنها اقدام
می کنند اما در مورد همین سخنان
رئیس دیوان عالی کشور باید گفت، که
دشمن خونخوار انقلاب از همین
"اشتباهات"، ولو کوچک باشد، از
همین "نقص" ها و "ضعف" ها، هر چند
که مهم هم نباشد، استفاده میکند و علیه
انقلاب دست به جوسازی می زند. مسلما
وقتی که مسئله تصمیم گیری درباره
سرنوشت انسانها و مرگ و حیات آنها
است، چه بسا که یک اشتباه کوچک
به مرگ کسانی منجر شود. و اینجاست
که یک "اشتباه کوچک" به ماجرای
بزرگی منجر میشود و دشمن هم که
منتظر بهانه است، از همین اشتباهات
برای تبلیغات ضد انقلابی خود سو -
استفاده می کند. و درست به همین خاطر
است که انقلاب در این لحظات حیاتی
از مسئولان کشور، بویژه مسئولان قضائی
طلب می کند که با دقت هر چه بیشتر
بامسائلی که با حیات انسانها روبرو
است، برخورد کنند. تنها از این طریق
یعنی رعایت عدالت کامل است که
جوسازی دشمن خنثی میشود.

آغاز حرکت

برای تصویب لوایح بنیادی

بسود مستضعفان

هفته گذشته "در جلسه کمیسیون
مسکن و شهرسازی"، طرح قانونی
اراضی شهری که بعلت مخالفان
شورای محترم نگهبان با پاره ای مواد
آن متوقف شده بود، پس از پاسخ امام
خمینی مدظله به ریاست مجلس
شورای اسلامی مبنی بر تفویض اختیار
استفاده از قوانین ثانویه به مجلس
شورای اسلامی مجددا در جلسات دیروز
و امروز مورد بررسی قرار گرفت و با
اصلاحاتی بتصویب رسید. (کیهان
- ۶ آبان ۱۳۶۰)

مردم ایران امیدوارند که تصویب
این لایحه آغاز حرکت برای طرح و
تصویب لوایح بنیادی بسود مستضعفان
باشد، که حل و فصل مشکلات اقتصادی
کشور نیز در گرو حل آنهاست و متاسفانه
به اندازه کافی هم در مورد آنها تاخیر
شده است.

چشم «مجاهدین»

روشن!

هر چه بیشتر میگذرد، واقعیت
زندگی بیشتر و بیشتر پرده از ماهیت
و رهبری خائن مجاهدین برمیدارد.
آخرین خبر فاش شده حکایت از این
دارد که این آقایان، که خود را تنها
مبارزان راستین علیه سرمایه داری
می دانستند و لابد حلاله می دانند
از جمله توسط ۱۵ تاجر بزرگ بازار
تهران اداره میشده اند.

حجت الاسلام موسوی تبریزی،
دادستان کل انقلاب اسلامی، در
گفت و گوئی با محله پاسدار انقلاب،
که روزنامه اطلاعات آنرا نقل کرده
است، گفت:

"اخیرا هم یکی از کارهای
(مجاهدین) دستگیر شده که میشود
گفت یکی از اعضای خیلی مهم است
اوحدودده تا پانزده نفر از تجار بزرگ
تهران، از فروش فروشها و غیره -
فروشها را معرفی
کرده. اینها کسانی بودند که در زمان
نظام شاهنشاهی هر عید و هر روزی
به مناسبتی روزنامهها را با تبریک به
شاه و خانواده شاهی می کردند و امروز هم
به اینها (مجاهدین) کمک می کنند."
(اطلاعات - ۷ آبان ۱۳۶۰)

- فقط می شود گفت چشم "مجاهدین"
روشن!

وقایع مهم جهان در یک هفته

اعتصاب همگانی " همبستگی در لهستان " باشکست روبروشد

پلنوم کمیته مرکزی " حزب سوسیالیست کارگری مجارستان " که در بوداپست برگزار شد ، نگرانی مردم مجارستان را از اقدامات آشکار نیروهای افراطی در لهستان علیه پایه‌های سوسیالیسم و قدرت طلسمی این نیروها برآورد. در قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی گفته می‌شود که ، این اقدامات " مغایر با قانون اساسی لهستان و به زیان مردم این کشور است ، به تضعیف وحدت کشورهای سوسیالیستی می‌انجامد و صلح اروپا را به خطری اندازد .

پلنوم کمیته مرکزی " حزب سوسیالیست کارگری مجارستان " همبستگی خود را با رهبری حزب لهستان اعلام میکند و معتقد است که ، تنها اقدام مشخصی - تواند ضد انقلاب را براندازد و به تحکیم لهستان سوسیالیستی منتهی شود .

شورای وزیران لهستان خواستار پایان بخشیدن به همه اعتصابات گردید این خواست در بیانیه‌ای درباره تصمیم رهبری " همبستگی " مبنی بر فراخواندن اعتصاب همگانی مطرح شد . بیانیه " شورای وزیران لهستان خاطر نشان می‌سازد که " گروه‌های افراطی " همبستگی " مردم را با دشواریهای فراوان روبرو می‌کنند . مردم لهستان نمیتوانند به دو شرط از این دشواریها اطمینان یابند : نخست آن که به کارباز آورید از دوام آن که به مقامات اجازه دهند ، ناسد راه اجرای سیاست اقتصادی خود کوشا باشند . جلوگیری از اقدام مقامات عمدی است و هدف از آن برانگیختن خشم مردم نسبت به حکومت سوسیالیستی و ایجاد جوی ستیزه جوئیانه است . بهر اماندا اختراع اعتصابات ویرانگر هرگونه مذاکره ای را میان دولت و " همبستگی " بیهوده می‌سازد .

عناصر افراطی رهبری " همبستگی " این اتحادیه را به فراخواندن اعتصاب همگانی در روز چهارشنبه ۶ آبان مجبور ساختند . " کمیسیون هماهنگی " حزب

متحد کارگری لهستان " ، " حزب متحد دهقانان " و " حزب دمکرات " یادآور شد که : دلایلی برای این اعتصاب یا اعتصابات دیگر وجود ندارد .

وویشیخ یاروزلسکی در اجلاس این کمیسیون اظهار داشت که :

" هرگونه کوششی برای مخاطره پایه‌های سیاسی ، اقتصادی و دفاعی لهستان نقض وظایف میهنی است و واکنشی برابر با خطر را برخواهد انگیخت ، روز چهارشنبه ۶ آبان به پنجمین پلنوم کمیته مرکزی " حزب متحد کارگری لهستان " به ریاست یاروزلسکی در ورشو تشکیل شد . این پلنوم فعالیت‌های هیئت سیاسی را در زمینه اجرای تصمیمات پلنوم چهارم تأیید کرد .

یاروزلسکی در سخنرانی خود در پلنوم گفت :

" هنگامی که حزب و دولت با دیگر در راه بهبود اوضاع کشور می‌کوشند کارزار جدیدی از اعتصابات آغاز شد .

یاروزلسکی درباره اعتصابات شش آبان ۶ گفت :

" این بار اعتصاب فراگیر نبود ، برای نخستین بار سازمانهای " حزب متحد کارگری لهستان " و احزاب هم پیمان آن و سازمانهای اجتماعی از جمله جوانان و سندیکاهای غیر وابسته به " همبستگی " قاطعانه و وسیع با این اعتصاب به مخالفت برخاستند .

یاروزلسکی افزود :

" حزب ، " همبستگی " و نیروهای واقع بین درون آن را فراموشی خوانند تا روشی سازنده در پیش گیرند و با اعتصابات پایان دهند .

رهبر کمیونستهای لهستان خاطر نشان ساخت که :

" لهستان سوسیالیستی باقی خواهد ماند و از هیچ کوششی برای دفاع از لهستان سوسیالیستی فروگذار نخواهد شد . "

" هفته جهانی مبارزه در راه خلع سلاح " باشکوه فراوان برگزار شد

" هفته جهانی مبارزه در راه خلع سلاح " با تظاهرات عظیم علیه تهدید موشک‌های هسته‌ای ایالات متحده برگزار شد . در ایالتیالی ۱۵۰ هزار نفر از سراسر کشور در " راه پیمایی ملی صلح " در رم شرکت کردند . در لندن تظاهرات ضد جنگ بی سابقه‌ای با شرکت ۲۵۰ هزار نفر برگزار شد .

گردهمایی‌ها و تظاهرات گسترده علیه استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد جدید آمریکا در اروپا و تولید کلاهک‌های نوترونی در روزهای اخیر اتریش آلمان فدرال ، فرانسه ، فنلاند ، سوئد ، چکسلواکی ، بلژیک ، برلین غربی و جمهوری دمکراتیک آلمان را فرا گرفت .

در توکیو تظاهراتی علیه تکرار احتمالی تراز دی‌های هیروشیما و ناگازاکی صورت گرفت . در پایان جنگ دوم جهانی بمب‌های اتمی آمریکا در این دو شهر به مرگ ۳۰۰ هزار نفر انجامید .

" شورای صلح بنگلادش " حضور نظامی فزاینده ایالات متحده را در اقیانوس هند محکوم ساخت .

اولوف پالمه ، نخست وزیر سابق سوئد ضرورت توجه جدی به تظاهرات وسیع ضد جنگ را در سراسر اروپا خاطر نشان کرد . او در سازمان ملل متحد ، به عنوان رئیس " کمیته بین المللی امنیت و خلع سلاح " ، در چارچوب " هفته جهانی مبارزه در راه خلع سلاح " سخن می‌گفت .

به گفته اولوف پالمه ، " تظاهرات اروپا نگرانی ژرف مردم را از مسابقه تسلیحاتی بازمی‌تابد . "

بیش از ۱۲۰ هزار نفر در تظاهرات باشکوهی در هلند و ۵۳ شهر دیگر فنلاند شرکت و استقرار موشک‌های میان برد هسته‌ای جدید آمریکا و تولید بمب نوترونی را در خاک اروپا محکوم کردند .

" حزب کارگر هلند " ، که یکی از بزرگترین حزب‌های سیاسی هلند بشمار می‌رود ، مخالفت شدید خود را با استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد جدید آمریکا در کشور یادآور شد . اعلامیه‌ای که رهبری این حزب انتشار داد ، خاطر نشان می‌سازد که " حزب کارگر " در هر ائتلافی که شرکت کند ، مخالفت خود را با تبدیل هلند به " پرتابگاه موشک‌های هسته‌ای آمریکا ابراز خواهد داشت .

ژژ مارش ، دبیر کل " حزب کمونیست فرانسه " ، به سرشت توده‌ای جنبش صلح اشاره کرد . وی گفت :

" دولت آمریکا باید بداند ، که مردم اروپا می‌خواهند جنگ افزارهای هسته‌ای در خاک آنها استقرار یابد . "

رهبان یمن شمالی و شوروی خواهان حل مسئله خاورمیانه در کنفرانسی بین المللی شدند

لئونید برژنف ضرورت شکستن بن بست مسئله خاورمیانه و یافتن راه حلی عادلانه را برای آن یادآور شد . وی گفت :

" نبود چنین راه حلی تنها به سود تجاوزکاران و نیروهایسی است ، که خواستار سیادت بر جهان عرب هستند . "

لئونید برژنف روز سه شنبه ۵ آبان ۶۰ این سخنان را در ضیافتی با افتخار علی عبدالله صالح ، رئیس جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) به زبان آورد .

برژنف به وخامت اوضاع در خاور - میانه و تهدید امنیت - لیبی اشاره کرد . او پیشنهاد شوروی را درباره فراخوانی کنفرانس بین المللی پیرامون مسئله خاورمیانه تکرار نمود . به گفته رهبر شوروی :

" در این کنفرانس باید " سازمان آزادبخش فلسطین " و کشورهای عربی هم مرز با اسرائیل و خود اسرائیل شرکت جویند . "

در پایان دیدار رسمی رهبر " جمهوری عربی یمن " از اتحاد شوروی اعلامیه مشترکی منتشر شد که در آن از جمله ، اظهارات نامبرده بازتاب یافته است .

مخالفت مردم اسپانیا با پیوستن به بلوک ناتو

کنگره " حزب سوسیالیست کارگری اسپانیا " در پایان همایش خود در مادرید مخالفت حزب را با عضویت اسپانیا در " ناتو " تأیید کرد .

نظرخواهی‌های اخیر در اسپانیا ، حاکی از آنست که ، ۵۲ درصد اسپانیایی ها با گوش دولت اسپانیا برای کشاندن این کشور به بلوک " ناتو " مخالفند . بیش از یک میلیون زن و مرد اسپانیایی در فراخوانی خواستار برگزاری همه پرسی در اینباره شده‌اند .

در شهرهای والنسیا ، کوردووا و گوادالاهارا تظاهرات بزرگی علیه عضویت اسپانیا در بلوک تجاوزکار " ناتو " صورت گرفت .

" کنگره نمایندگان " (مجلس) اسپانیا پیشنهاد دولت را درباره پیوستن به " ناتو " تصویب کرد . ماه آینده سنای اسپانیا در اینباره تصمیم خواهد گرفت .

کنسرن های آمریکائی با واگذاری " آواکس " به عربستان

۸/۵ هزار میلیون دلار به جیب خواهند ریخت

دولت ریگان نظر خود را مبنی بر فروش جنگ افزارهای مدرن ، از جمله هواپیماهای " آواکس " به عربستان سعودی بر سنای آن کشور تحمیل ساخت . این معامله ۸/۵ هزار میلیون دلار به جیب شرکت های آمریکایی خواهد ریخت .

فروش هواپیماهای " آواکس " ، که کارشناسان آمریکائی آنها را هدایت خواهند کرد ، نشانه کوشش آمریکا برای گسترش حضور سیاسی و نظامی خود در خاورمیانه است . به عقیده ناظران عرب ، از هواپیماهای " آواکس " برای جاسوسی بسود اسرائیل استفاده خواهد شد .

یادآوری

باپوش از خوانندگان گرامی دنباله مقاله " سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین " به علت تراکم مطالب در هفته آینده چاپ خواهد شد .

موج اختناق در مصر

ادامه دارد

پلیس مصر عده‌ای از مخالفان مسلمان رژیم این کشور را بازداشت کرد گزارش‌های رسمی از بازداشت ۵۵۳ تن پس از ترور سادات سخن میگویند . ولی در واقع شماره بازداشت شدگان به مراتب از این بیشتر است (بگزارش " یو. پی. آی " سه برابر این رقم) .

در این میان ، درگیری‌های مسلحانه در بخش‌های گوناگون قاهره صورت گرفت و در جریان آنها عده‌ای کشته یا زخمی شدند .

آمریکا انعقاد پیمان نظامی را میان مصر ، سوئدان و سومالی قدارک می بیند

تجاوز به لیبی و دیگر کشورهای مترقی منطقه است .

از سوی دیگر ، به گزارش " خبر - گزاری فرانسه " ، آمریکا از پایگاه‌های خود در ایتالیا و یونان برای پروازهای جاسوسی بر فراز سواحل لیبی استفاده می‌کند . این پروازها همچنین از کشتی‌های مستقر در مدیترانه صورت می‌گیرد . منابع نزدیک به " پنتاگون " به استماع مخابرات دولتی لیبی و دیگر کشورهای منطقه اعتراف کرده‌اند .

مجمع عمومی سازمان ملل متحد بار دیگر رژیم آپارتید را محکوم کرد

" مجمع عمومی سازمان ملل متحد " خواستار ریشه کنی هرگونه نژادپرستی شد و سیاست آپارتید آفریقای جنوبی را محکوم کرد .

قطعنامه‌های " مجمع عمومی " که با اکثریت قاطع تصویب شد ، تجاوزات رژیم " پرتوریا " را علیه آنگولا ، بوتسوانا ، موزامبیک و زامبیا محکوم ساخت . در این قطعنامه‌ها همچنین از کشورهای " ناتو " و شرکت‌های فراملیتی بخاطر توسعه روابط با " پرتوریا " ، از جمله مناسبات نظامی ، انتقاد شده است .

" کمیته سازمان ملل متحد درباره آپارتید " پیشنهاد کرد ماست که " مجمع عمومی " سال ۱۹۸۲ را بعنوان " سال مبارزه برای تحریم آفریقای جنوبی " اعلام دارد .

به عقیده " کمیته " ، فزون بر کشورها و سازمان‌های بین المللی ، کارزار و کلیسا را نیز در برگیرد . هدف از این کارزار پیشبرد موثر توصیه کنفرانس بین المللی درباره تحریم آفریقای جنوبی " خواهد بود ، که بهار امسال در پاریس برگزار شد . این کنفرانس توصیه کرد ، که آفریقای جنوبی همه جانبه ، از جمله در زمینه دریافت سلاح ، تحریم گردد .

سوریه به کشورهای اروپای غربی هشدار داد

سوریه مخالفت خود را با هرگونه اقدام کشورهای اروپای غربی درباره " باصطلاح " سپاه چندملیتی در سینا ابراز داشت . معاون وزارت خارجه سوریه موضع کشور خود را به سفیران کشورهای " بازار مشترک " توضیح داد . وی یادآور شد که ، سوریه هرگونه شرکت این کشورها را در " سپاه چندملیتی " بمنزله پشتیبانی از قرارداد " کمپ دیوید " تلقی خواهد کرد ، که از نظر سوریه مردود است .

سلاح های امپریالیست های آمریکا و بریتانیا برای برتری جویان پکن

یک هیئت بریتانیایی ، که در رأس آن فرمانده ستاد مشترک این کشور قرار دارد ، برای مذاکره درباره شرکت بریتانیا در مدرنیزه کردن نیروهای مسلح چین وارد پکن شد .

به گزارش خبرنگاری ها ، این مذاکرات واگذاری سلاح‌های بریتانیایی را به چین در بر خواهد گرفت .

از سوی دیگر ، هوان هوا ، وزیر خارجه چین ، در واشینگتن باریگان ، هیک ، و این برگر و بوش ملاقات خواهد کرد . در این ملاقات‌ها واگذاری سلاح‌های آمریکایی به چین وهم پیمانی نظامی - استراتژیک دو کشور بررسی خواهد شد .

" خونتائی السالوادور " تاکنون ۳۰ هزار نفر را کشته است

مردم السالوادور می‌جنگند .

ون سرموس ، رادبومخفی میهن دوستان السالوادور ، نیروهای " خونتائی " را متهم ساخت که ، در شهر سن آئوگو - ستین ۴۰ نفر را کشته‌اند . این کشتار به انتقام جویی از شکست " عملیات تنبیهی " این نیروها صورت گرفت .

" خونتائی " به تهاجم وسیع دیگری با شرکت ۲۵ هزار سرباز علیه میهن - دوستان دست زده است . علیرغم تجهیز این نیروها به سلاح‌های مجهز آمریکایی و رهبری کارشناسان ایالات متحده ، تا کنون چیزی جز شکست نصیب نیروهای " خونتائی " نشده است .

در دو سال فرمانروائی " خونتائی " بیش از ۳۰ هزار نفر به هلاکت رسیده‌اند .

" خونتائی " حاکم بر السالوادور بیهوده می‌کوشد تا با پیکار نیروهای میهنی به مقابله بپردازد . به گزارش " جبهه آزادی بخش ملی فارابوندومارتی " درگیری‌های سختی در هشت استان السالوادور میان انقلابیون و رژیم وابسته به آمریکا آغاز شده است . در مناطقی خاوری اطراف پایتخت ، " نیرو های تنبیهی " ، که قصد حمله به چریک‌ها را داشتند ، با تحمل تلفات فراوان و ادار به عقب نشینی گردیدند . این نیرو ها در ۲۱ روز اول اکتبر در حدود ۲۸ نفر را از دست دادند .

دو شب دوش سربازان " خونتائی " السالوادور ، نیروهای ویژه گواتمالایی نیز به رهبری مشاوران آمریکایی علیه

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول : محمود اعتمادزاده (م . ا . م . آ . دین)

آدرس : تهران ، منطقه ۱۳ پستی صندوق پستی ۳۱۴ / ۱۱۱۷